



# انترناسیونال ۴۲۹

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۱ آذر، ۲ دسامبر ۲۰۱۱

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه

## زمینه ها و چشم انداز انقلابات منطقه

پاسخ به شش سوال از مجله آرش

چیزی که در کشورهای مورد اشاره شما به وفور یافت میشود دلیل برای انقلاب کردن است. سلطه حکام  
صفحه ۲

مشترک و چه عواملی همزمانی خیزش ها را اجتناب ناپذیر ساخت و چرا فقط در چند کشور معین؟ کاظم نیکخواه: روشن است که

توهم تکرار پذیری سناریوی آسان و تند آهنگ تونس، مردم این کشورها را به شوق آورد؟ اگر نه، کدام زمینه های

آرش: خیزش های توده ای ضد حکومتی در کشورهای عربی چرا زنجیره ای شد؟ آیا



## گزارشی از مراسم بیستمین

سالروز تشکیل حزب

در استکهلم

## مسئله ملی در ایران، بررسی تحولات اخیر آذربایجان

متن سخنرانی محسن ابراهیمی در جلسه پالتاک

ماها شاهدان زنده تراژدی خونینی به نام یوگسلاوی بودیم و دیدیم که چگونه همسایگانی که تا همین دیروز پادشان رفته بود که اجدادشان به چه قومی تعلق داشتند و در غم و  
صفحه ۷

تحص کنیم تا به این حقیقت تلخ و رنج آور واقف شویم که چگونه زندگی میلیونها انسان به نام میهن و ملت و پرچم و نژاد و قوم و هویت ملی و غیره زیر پاها له شده است. خود

تبعیض و ستم صحبت میکنیم که همیشه و مشخصا در دو دهه اخیر زندگی میلیونها انسان را در سطح جهان تحت تاثیر قرار داده است. لازم نیست در تاریخ غور و

مقدمه روشن است که این جلسه با هدف بحث به خاطر بحث برگزار نشده است. ما امروز در باره یکی از مهمترین جلوه های نابرابری و

روز ۲۶ نوامبر بیستمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران با حضور بیش از ۲۰۰ نفر در سالن هوسبی ترف در استکهلم برگزار شد. ابتدا مجریان مراسم، آذر پویا و آوات فرخی، به حاضرین خوشامد گفتند و سپس سیما بهاری دبیر تشکیلات حزب در شهر استکهلم ضمن صحبت کوتاهی گفت: گرامی بداریم یاد تمام عزیزانی که سنگر به سنگر جنگیدند و انسانیت را پاس داشتند، تلاش کردند که ارزشهای خوب و والای انسانی زنده بماند. عزیزانی که جانشان را در این راه از دست دادند. گرامی بداریم یاد عزیز منصور حکمت را که با مشتهای گره کرده، پرچمی بلند کرد که همچنان در دستهای ما هست.



## ما همه رفیق تقی هستیم!

جنبش اعتراض به قتل رفیق تقی نویسنده و منتقد اسلام، گسترده تر میشود.

صفحه ۴

## حمله به سفارت انگلیس و جنگ داغ دیپلماتیک

حکومت به ساختمان سفارت انگلستان در روز ۸ آذر که با هدف یک دست کردن صفوف حکومت در داخل و چنگ و دندان نشان دادن در خارج طراحی شده بود، برای حکومت نتیجه ای جدی قرار داده است. حمله اوباش  
صفحه ۹

بهر روز مهر آبادی جنگ لفظی و فشار دیپلماتیک علیه جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی از همیشه شدید تر شده است و حکومت اسلامی را در منگنه ای جدی قرار داده است. حمله اوباش

رفیق تقی نویسنده آذربایجانی با فتوای جمهوری اسلامی تروژ شد

## سفارتخانه های جمهوری اسلامی در همه جا تعطیل

فرشاد حسینی، صفحه ۱۲

## بازتاب هفته

### رویدادهای منطقه در یک نگاه!

محمد شکوهی

### کنفرانس دوربان و افزایش خطر آلودگی هوا

بهر روز مهر آبادی

### هواپیمای صالحی اجازه عبور نیافت

بهر روز مهر آبادی

صفحات ۶-۵

## صفحات دیگر

### ۱۶ آذر دانشگاهها را "اشغال کنیم"

صفحه ۸

### دین گریزی: زنگ خطر یا زنگ آزادی

یاشار سهندی، صفحه ۱۰

### علیه تحمیل حکومتهای اسلامی و مدافع سنگسار به

مردم افغانستان، علیه کنفرانس

"بن دوم" به خیابان بیابید

### آزادی موقت ابراهیم مددی از زندان

صفحه ۹

### اعتصاب و تظاهرات عظیم کارگران در انگلیس

آران رضایی، صفحه ۱۲

در ادامه، حمید تقوایی دبیر حزب ضمن تبریک بیستمین سالگرد تشکیل حزب به حاضرین، گفت که آن چیزی که به این جشن شادی و شور و شغف ویژه ای میدهد، واقعیات مهمی است که در دنیای بیرون جریان دارد. وقتی حزب ما تشکیل شد اوضاع دنیا ۱۸۰ درجه مقابل وضعیت کنونی بود. امروز وقتی شما رادیو تلویزیونها، جراید و رسانه ها را دنبال میکنید، میبینید که همه جا حرف از انقلاب است. نه تنها انقلاب علیه دیکتاتورها در ایران و مصر و تونس و سوریه و ... که صحبت از جنبش ضد کاپیتالیستی در نیویورک هم هست. وقتی منصور حکمت این حزب را تاسیس کرد در واقع به استقبال تاریخ رفت. گفت این روز میرسد و این روز فرا رسیده. انقلاب و اعتراض  
صفحه ۱۱

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## زمینه ها و ...

از صفحه ۱



خودکامه و دیکتاتورهای مادام العمر جنایتکار و منفور، و طبقه حاکم سرمایه دار بی خاصیت و تا خرخره از ثروت اشباع شده و فاسد و حریص، مدام دارد مردم را به انقلاب کردن فرا میخواند. مردم برای به زیر کشیدن اینها دلیل و انگیزه کم ندارند. اما انقلاب یعنی حرکت هماهنگ و همزمان میلیونها و دهها میلیون نفر برای در هم کوبیدن ماشین حاکم و نظم موجود. پیچیدگی مساله همیشه بر سر این هماهنگی است و عامل و اتفاق و رویداد یا رویدادهایی باید باعث شود که این میلیونها نفر یک روز و ساعت معین به خیابان بیایند. انقلاب تونس و بدنبال آن انقلاب مصر این سوت آغاز را در همه کشورها زد. همه مردم و بویژه بخش فعال و پرنرزی و طلبکار مردم یعنی جوانان را تهییج کرد. زمان را به آنها گفت و به خیابانشان آورد. نمیدانم چقدر اسم این امید را که برای به زیر کشیدن حاکمین ستمکار و مفتخور در کشورهایی مثل سوریه و لیبی و یمن و بحرین گسترش یافته، میشود "توهم" گذاشت. بالاخره انقلابات یک جایی شروع میشود. همیشه با افت و خیزهایی پیش میرود. و نهایتا هم کار خود را میکنند. نشنیده ام و نخوانده ام که در یک جایی اکثریت مردم خواهان سرنگونی حکومت بوده باشند و نهایتا موفق نشده باشند. من بطور جدی امیدوار هستم و فکر میکنم که با فضای پر از امید و ملتپه‌ی که در این کشورها ایجاد شده، در آینده نه چندان دوری تمام این دولت‌های خودکامه در کشورهایی مثل لیبی و سوریه و یمن و بحرین و حتی برخی جاهای دیگر مثل عربستان که هنوز خیزش گسترده ای شروع نشده کنار زده خواهند شد. ممکن است به دلایل مختلفی که مهمترینش ضعف رهبری و فرموله نشدن خواستها و کامل نبودن صف بندی‌های طبقاتی است، کارگران و مردم در قدم اول به همه آمال و آرزوهایشان نرسند و اوضاع به روال تونس و مصر که هنوز نظم سیاسی و اقتصادی و اجتماعی تکان اساسی نخورده پیش برود، اما تردیدی ندارم که

بشار اسد و عبدالله صالح و قذافی و ملک عبدالله و ملوک دیگر باید بروند و خواهند رفت و رفتن آنها تازه شروع کار است. دوره اینها تمام شده. همین روزها در خبرها خواندم که در سفارت جمهوری اسلامی در سوریه ولوله افتاده و دارند گروه گروه از سوریه فرار میکنند و حتی به جناب سفیر هم گفته شده که چمدانش را ببندد و در برود اما رژیم سوریه مانع شده و از او خواسته اند تا آخر ماه رمضان یکی دو هفته بیشتر بماند که اوضاع خیلی قمر در عقرب تلقی نشود. انقلابات منطقه پایان دوره خلفا و ملوک و شاهان را حداقل در این منطقه اعلام کرده است. حلقه محاصره بر همه حکومت‌های خودکامه بشدت تنگ شده و کم کم جایی هم ندارند که فرار کنند. سوریه قرار بود فرازگاه امن آیت الله های جمهوری اسلامی باشد اما اکنون بشار اسد خود مانده است که به کجا پناهنده شود.

می پرسید چرا در چند کشور معین. هیچوقت در تاریخ، همه دنیا همزمان به حرکت در نیامده که این بار دومش باشد. تحولات اجتماعی به دلایل معینی از جایی شروع میشود و بصورت موج وار و طیف گونه پیش میروند و بعد فضای اطراف خود را تحت تاثیر قرار میدهند. اینکه چرا در این کشورهای معین شروع شده در یک نگاه میتوان به پیوندهای تاریخی و ژئوپولیتیک و حتی جغرافیایی ای اشاره کرد که این را توضیح میدهد که چرا این کشورها بیش از بقیه کشورهای دیگر دنیا و پیش از بقیه، از این انقلابات تاثیر گرفتند و پشت سر هم دارند به انقلاب روی می آورند. حتی در کشورهایی که هنوز انقلابی شروع نشده ما فضای متفاوتی نسبت به قبل را شاهدیم. برای نمونه برای اول بار ما خبر از تجمع و اعتراض زنان و کارگران را در عربستان و اردن میشنوم. در اردن ملک عبدالله فوراً دست پاچه شده و "داوطلبانه" دارد بخشی از قدرت را به پارلمان میدهد. در عربستان دارند از حقوق زنان و برخی حقوق دیگر برای مردم صحبت میکنند. و کویت هم که قبلاً زیر فشار بود به تحركات رفرمیستی اش سرعت بخشیده است. اما تاثیر این انقلابات بطور قطع به کشورهای به اصطلاح عربی محدود نخواهد ماند و به جاهای دیگر دنیا هم خواهد کشید. همین الان پژواک "بهار عربی"

در کشورهای دیگر جهان هم احساس میشود و در اسپانیا و ویسکانسن آمریکا و پاریس و ایتالیا و یونان از میدان التحریر صحبت میشود. ایران هم که جای خود دارد و در واقع الهام بخش انقلابات این منطقه بحساب می آید و در عین حال مردم بشدت از این انقلابات روحیه و امید گرفته اند. شاید هنوز زود باشد که از انقلابات در دیگر کشورهای دنیا صحبت کنیم، اما هیچ تردیدی ندارم که گفتمان انقلاب که برخلاف چند دهه گذشته، اکنون میتوان گفت به گفتمان جهانی تبدیل شده، تاثیرات زیادی در فضای مبارزات کارگران مردم در کشورهای دیگر هم خواهد گذاشت و فضای کل مبارزات را سیاسی تر و رادیکال تر و انسانی تر خواهد کرد.

آرش: آیا زنجیرهای این خیزش ها در جهان عرب، فقط مجموعه ای از چند حادثه سیاسی است یا یک رخداد تاریخی؟ به عبارت دیگر صرفنظر از نتایج سیاسی و اجتماعی کوتاه مدت آن ها در هر یک از این کشورها، آیا روند بازگشت ناپذیری در منطقه اتفاق افتاده و حرکت عمومی ناگزیری آغاز شده است؟ همچنان که پنجاه سال پیش در همین کشورها با کودتاهای ضد استعماری رقی تاریخی برگشت؟

کاظم نیکخواه: بنظر من انقلابات اخیر، علیرغم همه کم و کاستی هایشان، تحولات تاریخی بسیار مهم و برگشت ناپذیر و بسیار امید بخشی هستند. بعد از حدود سی سال که این احساس را به اکثریت مردم جهان داده بودند که باید با وضع موجود یعنی بی اختیاری و فقر و بی افقی مطلق بسازند و بسوزند و شاهد یک تازی دستجات مختلف جنایتکار بورژوازی باشند، صدای انسان و آزادیخواهی، صحنه جهان را تحت الشعاع خود قرار داده است. اگر کسی بخواد اهمیت تاریخی این رویدادها را در جهان بهتر متوجه شود باید دوره کنونی را با مهمترین رویدادهای دو دهه گذشته مقایسه کند. دوره هیاهوی کرکننده بورژوازی بر سر مرگ کمونیسم و "نظم نوین" و اعلام پایان تاریخ، و بعد قتل عامها و پاکسازیهایی فجیع مذهبی و ناسیونالیستی در اروپای شرقی، و بعد یازده سپتامبر و جنگ تروریستها در اقصا نقاط جهان و جنایات و کشتارهای هرروزه

تروریسم اسلامی و تروریسم نظم نوینی و کل ارتجاع هار بورژوازی که بر جهان در این دوره حاکم بود. اینها بودند که در دو سه دهه گذشته دنیا را مسحور خود ساخته بودند. انقلابات خاورمیانه دارد بر این فصل سیاه و ننگین و خونین در تاریخ مهر پایان میگذارد. در خود منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تصور اینست که پیامدهای فوری این انقلابات اینگونه خواهد بود که این کشورها دستخوش یک مبارزه طبقاتی فعال و بعضاً حاد خواهند شد و در هر کشوری بسته به خیلی فاکتورهای سیاسی و اجتماعی اتفاقات مختلف و غیر قابل پیش بینی ای خواهد افتاد. اما این مناطق دیگر بهیچوجه به اوضاع سابق یعنی کشورهای با دیکتاتوری های فردی و خودکامه و یک تازی مذهب و بی اختیاری و فقر مطلق توده عظیم مردم، باز نخواهد گشت. این بدان مفهوم نیست که ما دیکتاتور نخواهیم داشت و مردم حتماً به حقوق و آزادیهای سیاسی همه جانبه دست پیدا میکنند و رنج و محرومیتشان تمام میشود. مدرن ترین کشورهای دنیا را الان نگاه کنید یک نوع دیکتاتوری اقلیت سرمایه دار را داریم. اما من بر این باورم که دوره حکومت‌های خودکامه کلاً بسر رسیده است. این را قبلاً مشروحتر در جایی نوشته ام. حتماً ارتجاع بورژوازی تلاش میکند که در خیلی از این کشورها دوباره اوضاع را بدست بگیرد و نظام و دیکتاتوری خودش را به شکلی تا مدتی ادامه بدهد اما دیکتاتوری های سرمایه حتی آنجا هم که بتوانند دوباره مستقر شوند، شکل کلاسیک تر و طبقاتی تری خواهند گرفت و حکومت‌های های عهد عتیقی و فردی و فراقانونی بساطشان جارو خواهد شد. اینها بعنوان کهنه ترین و منفورترین نمادهای ارتجاع و توحش و ستمگری اقلیت، در آینده نزدیکی برای همیشه در زباله دان تاریخ دفن خواهند شد. علاوه بر این، مذهب آن نقش تعیین کننده و سیاسی سابق را دیگر نخواهد داشت و از بازی کن اصلی صحنه سیاسی این کشورها کنار زده خواهد شد. (همینجا اضافه کنم که در کوتاه مدت احتمال جلو پریدن جریانات اسلامی در برخی کشورهای انقلاب کرده هست. اما یک تازی اینها دوره اش تمام

شده. می آیند جلو تا آخرین ضربه را نوش جان کنند و به حاشیه رانده شوند). و بالاخره: برخلاف تمام دوره های تاکنونی، رای و نظر اکثریت مردم وزن و اهمیت جدی ای در این کشورها پیدا میکند. اما همانطور که گفتیم روشن است هنوز تکلیف اوضاع در هیچکدام از کشورهای انقلاب کرده روشن نیست و بنابراین بسته به خیلی فاکتورهای بین المللی و داخلی، روند و نتیجه کشاکش های موجود میتواند اشکال مختلفی بخود بگیرد. یک نتیجه بسیار بارز و شاخص این تحولات در همه این کشورها در جه زیادی از آزادی زنان و خلاص شدن آنها از قرن‌ها ستمگری و تبعیض و بی حقوقی خواهد بود.

آرش: آیا این جنبش های زنجیره ای که همچون واگن های متعدد قطار همزمان به راه افتاده اند، در ساختارهای سیاسی و نظامی و بافت های اجتماعی کم و بیش متفاوت، می توانند به حرکت با هم ادامه دهند و سرنوشت یکسانی (اعم از پیروزی یا شکست) بیابند؟

کاظم نیکخواه: نه فکر نمیکنم اوضاع در همه جا یکسان پیش خواهد رفت و سرنوشت انقلابات یکی خواهد بود. بستگی به نقش جنبش‌های اجتماعی مختلف در هر کشور این نتایج فرق میکنند. در کوتاه مدت حداقل این وضعیت میتواند خیلی متفاوت باشد. اما ارتباط و پیوند این کشورها، باعث میشود که از هم تاثیر بپذیرند و پیروزیها و شکست‌ها در یک کشور، تاثیرات معینی بر سایر کشورها داشته باشد. بنظر میرسد که در مصر جریانات اسلامی مثل "آخوان المسلمین" و دستجات دیگر اسلامی با کمک ارتش و دیگر بازماندگان نظم سابق، دارند تلاش میکنند که انقلاب را خاتمه یافته اعلام کنند، یک انتخابات و یک مجلس موسسان راه بیندازند و مردم را به خانه بفرستند و اوضاع را به دست بگیرند. در مقابل آنها بخشهای زیادی از جوانان و زنان و کارگران قرار دارند که تا کنون جلوی آنها ایستاده اند و تلاش میکنند انقلاب را ادامه دهند. محاکمه مبارک و پسرانش یک نمونه از نتایج فشار انقلاب بود. نمیشود پیش بینی کرد نتیجه دقیقاً چه خواهد شد اما یک احتمال قوی اینست که ارتجاع اسلامی و بورژوازی موفق شود موقتاً دست

## زمینه ها و آینده ...

از صفحه ۱

آرش: دسته ای از حکومتیان ایران ناخشنود از این واقعیت کنونی که مردمان عرب اسلامگرا و خواستار حکومت اسلامی نیستند و هم چنین به بهانه های گوناگون از جمله مداخله گری دولت های غربی، آن ها را ساخته و پرداخته غرب و اسرائیل قلمداد می کنند و دسته دیگر از آن ها، به این امید که جریانانات اسلامگرا در این جنبش ها تقویت شده و رهبری آن ها را به دست بیاورند، ادعا می کنند که آن ها در پی چیزی جز "بیداری اسلامی" در منطقه و رسیدن امواج انقلاب اسلامی ایران به سواحل آبی و خاکی این کشورها نیستند. با توجه به مجموعه شرائط حاکم بر این جنبش ها و ظرفیت های متناقض موجود، به خصوص وضعیت رهبری این جنبش ها و مداخله گری خارجی، شانس استقرار یک رژیم سیاسی - اقتصادی دموکراتیک و یا ریسک عقیم شدن آن ها با مداخلات امپریالیستی و یا حتی چشم انداز تکوین رژیم اسلامی چقدر است؟ دولت های غربی با حکومت های لیبی و سوریه مخالفت می کنند و جمهوری اسلامی با حکومت بحرین و یمن، واکنش اصولی به جنبش های گوناگون چگونه باید باشد؟

کاظم نیکخواه: ساده ترین قسمت سوال شما برای من این قسمت است که میگویند شانس روی کار آمدن حکومت های اسلامی چقدر است! من این شانس را تقریباً صفر میدانم. تجربه حکومت اسلامی در ایران و نفرت عمومی مردم از آن، اینکه جریانانات اسلامی نقش چندان در این انقلابات نداشته اند و کلا شکست و افول اسلام سیاسی در جهان در دوره کنونی، این شانس را بسیار پایین می آورد. همانگونه که قبلاً اشاره کردم احتمال اینکه اسلامی ها در مقاطعی در دولت و مجلس های آینده برخی از این کشورها دست بالا پیدا کنند، هست. اما این اولاً برای یک دوره است. و ثانیاً دست بالا پیدا کردن احتمالی اینها به معنای خطر یک حکومت اسلامی نیست. اینها فو قش میوانند در حد ترکیه و آنهم بطور موقت جامعه را اسلامیزه کنند. یعنی تلاش میکنند قوانین و سنت های اسلامی را به حوزة قانون قاچاق کنند اما نمیتوانند و نخواهند توانست حکومت اسلامی

سرکار بیاورند. فکر میکنم دوره روی کار آمدن حکومت های اسلامی و کلا مذهبی بسر آمده است.

اما اینکه واکنش اصولی به موقعیتهای مختلفی که میتواند پیش آید چه باید باشد، فکر نمیکنم فرمول واحد و از پیش آماده ای در این مورد میتوان ارائه داد. با کنار زده شدن دیکتاتورهای سرکوبگر، تازه فضای به جریان افتادن یک مبارزه طبقاتی و سیاسی آشکار و همه جانبه، تا حد زیادی ایجاد میشود. تلاش کمونیستها و همه کارگران آگاه باید این باشد که سیاست سوسیالیستی را در این مبارزه تقویت کنند، خواستهای طبقه کارگر و اکثریت توده مردم را فرموله کنند و تلاش کنند این جوامع هرچه بیشتر به سمت یک فضای آزاد و باز سوق پیدا کنند. هرچه فضا آزاد تر باشد، هرچه بیشتر بتوان جلوی ایجاد فضای اختناق و سرکوب را گرفت، شانس چپ و کارگر و نمایندگی شدن کل انسانیت بیشتر است. شانس اینکه بشود جلوی روی کار آمدن ارتجاع و اقلیتهای مفت خور را گرفت بیشتر است. بنابراین هر برخورد و واکنش اصولی تنها بر مبنای تلاش برای عملی شدن هرچه بیشتر آزادی شکل و آزادی بیان و تجمع و تحزب، و همچنین دفاع از حق زندگی انسانی و رفاه برای همه افراد جامعه معنی پیدا میکنند. با توجه به اینکه دیکتاتوری های این مناطق با قدرت انقلاب مردم سرنگون شده اند، بنظر من شانس اینکه در این کشورها بتوان شاهد روی کار آمدن حکومت های مردمی و چپگرا و بدرجه زیادی آزادیهای سیاسی بود، کم نیست. این بسیار مهم است که قدرتهای غربی نتوانستند سناریوها و توطئه هایی نظیر تحمیل دارودسته خمینی به انقلاب ۵۷ ایران را در هیچکدام از این کشورها پیاده کنند. حتی در لیبی که ناتو مستقیماً وارد عمل شد، وضع به این گونه پیش نرفته که نمایندگان بورژوازی غرب توانسته باشند انقلاب را کنترل و محدود کنند و بر آن سیطره داشته باشند. بلکه ترکیبی از نیروهای انقلابی و غیر انقلابی در اوضاع دخیل هستند و شانس مردم در آنجا کم نیست.

آرش: اگر در تونس و مصر نیروهای امنیتی و ارتش بجای تداوم و تعمیق سرکوب، با اتخاذ تاکتیک تحریب

مردم و قربانی کردن بن علی و مبارک، به مهار جنبش برآمدند و نظام را از گزند گسترش و تعمیق حرکت مردمی حفظ کردند، به نظر می رسد که حاکمان لیبی و سوریه و یمن و بحرین الگوی خامنه ای - احمدی نژاد را سرمشق قرار داده اند. این که حاکمان از جنبش های کشورهای دیگر درس می گیرند، جنبش های آزادی خواه و برابری طلب ایران و عرب در همین مسیری که تا به حال طی کرده اند، چه آموزه هایی برای یکدیگر دارند؟

کاظم نیکخواه: اول بگذارید بگویم که از نظر من نه جنبش و انقلاب در مصر و تونس مهار شده است و نه در لیبی و سوریه با توپ و تانک و لشکر کشی، حکومت هایشان مصون مانده اند. در مصر و تونس آشکارا کشاکش انقلاب و ضد انقلاب ادامه دارد و همین روزها هم در مصر و تونس شاهد بزرگترین تظاهرات بودیم که با دوره قبل از سرنگونی مبارک و بن علی قابل مقایسه بود. از آن طرف در لیبی الان که من دارم این سوال را جواب میدهم بنظر میرسد به سرنگونی قذافی چند روزی بیشتر باقی نمانده است و بشار اسد هم علیرغم جنایات بسیار بیرحمانه که با جنایات حکومت اسلامی ایران قابل مقایسه است، نتوانسته است دامنه انقلاب را محدودتر کند و برعکس تظاهراتها هرروز ابعاد گسترده تری به خود میگیرد.

اما بهرحال این سوال مهمی است که جنبش های آزادیخواه و برابری طلب ایران و کشورهای "عربی" چه آموزه هایی برای یکدیگر دارند. اولاً نفس انقلاب در کشورهای منطقه و سرنگونی چند دیکتاتور خودکامه در این کشورها، تاثیرات روحی و روانی بسیار مثبتی در فضای مبارزه در ایران گذاشته است و امیدواری زیادی برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایجاد نموده است که فکر میکنم در خیزشهای بعدی در ایران تاثیر زیادی خواهد داشت. "مبارک بن علی نوبت سید علی" الان به یکی از شعارهای انقلاب ایران تبدیل شده است. علاوه بر این میشود از تجربه جوانان در این کشورها در استفاده از فیس بوک و تویتر و بسیج مردم و ارتباطات جهانی استفاده کرد. که البته از این نظر در انقلاب ۸۸ ایران نیز شاهد نمونه های بسیار خوبی بودیم. ثانیاً جنبش و مبارزه در ایران هنوز موفق

به سرنگون کردن جمهوری اسلامی نشده است اما به دلیل جریان داشتن طولانی مدت يك جنبش فعال سیاسی و اجتماعی و ضد حکومتی در ایران، انقلابیون منطقه درسهای زیادی از ایران میتوانند بیاموزند و باید بیاموزند. اگر انقلابات منطقه بخوانند به پیروزی برگشت ناپذیر برسند باید از این دستاوردها استفاده کنند. در ایران چپ و رادیکالیسم و جنبش کارگری قدرتمند و با تجربه ای داریم. جنبش های اجتماعی متحزب و فرموله هستند و برنامه و پلتفرم دارند و خود این کمک میکنند که مردم با چشم بازتری بتوانند انتخاب کنند. شما اگر مقایسه کنید متوجه میشوید که در مصر و تونس و لیبی انقلاب شد اما کمتر شنیدیم که خواستهای سیاسی و رفاهی روشنی فریاد زده شود. و این يك نقطه ضعف جدی است. اما در ایران در هر تجمع سیاسی اولین خواست شرکت کنندگان برای مثال آزادی زندانیان سیاسی و آزادی تجمع و تشکل و لغو اعدام و جدایی مذهب از دولت و برابری حقوق زن و مرد و امثال اینهاست. همه اینها در کنار سنت گسترده اول مه و هشت مارس و امثال اینها، یعنی دست بالا پیدا کردن رادیکالیسم و چپ در جامعه. اینها باعث میشود که کسی به سادگی نتواند انقلاب بعدی ایران را خفه کند و به بیراهه بکشاند. این پیشروها و دستاوردها به اندازه خود سرنگونی مهم است. آینده جامعه به جایگاه احزاب سیاسی و فرموله کردن خواستها و بسیج نیرو حول آنها گره خورده است. اینکه کدام طبقه و کدام جنبش بتواند خواستها و اهداف خود را به خواست جامعه تبدیل کند، تعیین میکند که جامعه آینده چه خصوصیاتی داشته باشد و در خدمت همه مردم قرار گیرد یا فقط يك اقلیت بر آن حاکم باشد. کارگران و انقلابیون در جوامع انقلابی بسیار نیاز دارند که این دستاوردها را بیاموزند و به دست بگیرند. طبعاً اگر در ایران انقلاب هرچه زودتر پا بگیرد و موفق شود حکومت اسلامی را به زیر کشد، بیشترین و فوری ترین تاثیر را بر جوامع انقلابی میگذارد اما قبل از آن هم باید تلاش کرد که این پیوند و ارتباط و تاثیر گذاری ها از حد خودبخودی

## زمینه ها و ...

فرا تر رود و نقشه مند و با برنامه انجام شود.

آرش برخی می گویند این جنبش های تاکنون مسالمت آمیز، وقتی بی رحمانه به خاک و خون کشیده می شوند، بدون دخالتگری نظامی خارجی چطور می توانند بر حکومت های تا دندان مسلح و انعطاف ناپذیری مثل حکومت های قذافی و اسد و عبدالله صالح یا رژیم بحرین که از پشتیبانی عربستان و غرب برخوردار است، غلبه کنند؟ آیا به راستی جز تسلیم به این حکومت ها و یا طلب مداخله نظامی خارجی، راه دیگری برای پیشرفت این جنبش ها وجود ندارد؟

کاظم نیکخواه: اگر بدون دخالت نظامی دولتها، راهی جز تسلیم برای مردم وجود نداشت حرفی از انقلاب هم در میان نبود. دخالت نظامی قدرتهای خارجی هیچوقت جزئی از انقلاب نبوده است. خاصیت اصلی انقلاب اینست که به قدرت نیروی اکثریتی مردم، همین دژهای مسلح و تاندانان مسلح را در هم میشکند. انقلاب مکانیسمش اینست که اکثریت جامعه ای علیه حاکمین دست به

## از صفحه ۳

شورش و اعتراض میزنند و همین باعث میشود که نیروهای مسلح حاکمین هم زمین زیرپایشان خالی شود و افرادش روحیه شان را از دست بدهند و دچار تشمت شوند و دست به فرار بزنند، و نهایتا با یک قیام کل دم و دستگاه سرکوب در هم کوبیده شود. حقیقت اینست که هیچ انقلابی سراسر و خطی پیش نرفته است. عقب نشینی ها و پیشروی هایی صورت میگیرد. اما وقتی که اکثریت جامعه ای فعالانه دست به کار به زیر کشیدن حکومت میشود، دیر یاز زد میتوانند به هدف خود برسند. اگر قرار بود شیوه تانک به خیابان آوردن و لشکر مزدوران مسلح را علیه مردم بسیج کردن شبیه آنچه در لیبی یا سوریه یا ایران صورت گرفت، بطور قطع انقلاب را به شکست بکشاند، هیچ دیکتاتوری تردیدی در لشکر کشی علیه مردم نمیکرد. روشن است که اشاره شما به وضعیت لیبی است که نیروهای قذافی دست به حملات گسترده ای علیه مردم زده بودند و در حال پیشروی به سوی بنغازی بودند و دخالت نظامی ناتو تاثیر زیادی داشت که توازن قوا عوض شود و نهایتا حامیان قذافی عقب رانده شوند. اما

این سرنوشت محتوم انقلاب در لیبی نبود. من فکر نمیکنم اگر ناتو در لیبی دخالت نمیکرد حتما و قطعا انقلاب شکست میخورد و تمام میشد. به احتمال زیاد بنغازی سقوط میکرد، به احتمال زیاد برای مدتی اوضاع به محاق میرفت. اما دوباره از جایی سر بلند میکرد. مخصوصا در شرایط انقلابی منطقه بعید بنظر میرسد که این سرکوبها مدت زیادی جامعه را آرام نگه دارد. همین الان به سوریه نگاه کنید. نیروهای بشار اسد شهر "درعا" را که سنگر انقلاب بود به محاصره در آوردند و نهایتا تسخیر کردند بعد شهر حصص را تسخیر کردند و دست به جنایات زیادی زدند. اما تظاهرات و جنگ مردم علیه حکومت بهیچ وجه فروکش نکرده است. برعکس به شهرهای بیشتری گسترش پیدا کرده است. الان چندین شهر در حال تظاهرات هرروزه علیه حکومت هستند. حتی شهرهای تسخیر شده دارند تظاهرات میکنند. اینکه نهایتا در این مرحله چه میشود روشن نیست اما شواهد بسیاری دارد این را میگوید که رژیم بشار اسد راه دیگری جز سقوط پیش رو ندارد. کلا در مورد دخالت نظامی دولتها باید یک مقدار زیادی مظنون و

اینکه کار به اینجایی کشیده است که کشیده، این را انقلاب تحمیل کرده است. ماهیت ناتو عوض نشده است. بهرحال اینکه امروز گفتمان انقلاب به گفتمان جهانی تبدیل شده و اینکه امروز این دولتها هستند که حداقل در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا باید سیاستهایشان را در قبال حرکت مردم تعیین کنند و نه برعکس، اینها نشانه های مثبت و بسیار امید بخشی است. اما نه باید دچار این تردید و تزلزل شد که فکر کنیم انقلابات بدون دخالت نظامی به جایی نمیرسد، و نه باید دچار این خوش بینی شد که ارگانهای نظامی ای مثل ناتو و امثال آنها، بعنوان نیروی ذخیره انقلاب عمل خواهند کرد. انقلاب کار مردم است. و طبقات در کوران انقلاب نیز نقش طبقاتی خود را ایفا میکنند. بورژوازی اساسا ضد انقلاب است و انقلاب اساسا بر دوش طبقه کارگر پیش خواهد رفت. و ما بعنوان نیروهایی که امرهایی کل جامعه را بر اساس اهداف طبقاتی طبقه کارگر دنبال میکنیم، باید این هوشیاری را مدام به کارگران و مردم بدهیم.

۲۴ اوت ۲۰۱۱ (توضیح: این مصاحبه در شماره ۱۰۷. مجله آرش به چاپ رسیده است.)

## ما همه رفیق تقی هستیم

جنبش اعتراض به قتل رفیق تقی نویسنده و منتقد اسلام، گسترده تر میشود.

نامه سرگشاده مریم نمازی و مینا احدی به رئیس پارلمان اروپا جرسی بوزک درخواست اعزام یک هیئت مستقل به آذربایجان برای رسیدگی به قتل رفیق تقی ملاقات مینا احدی با مسئولین اتحادیه اروپا در روز سه شنبه ۶ ماه دسامبر

فرمان قتل را جنایتکاران حاکم بر ایران صادر کرده بودند و در نهایت هم همان فتوا دهندگان، ترور نویسند و منتقد سرشناس اسلام را سازمان داده و او را به قتل رسانند.

رفیق تقی ساعت ۱۰ شب ۱۹ نوامبر در حالیکه از محل کارش رهسپار منزل بود مورد حمله قرار گرفت و بشدت زخمی شد. او سپس در بیمارستان و بعد از چند عمل

هستیم"، مقالات انتقادی در مورد مذهب اسلام و جنبش اسلامی نوشته و این مقالات را به اسم رفیق تقی منتشر میکنند. در آذربایجان موضوع قتل رفیق تقی به یک موضوع مهم سیاسی تبدیل شده و ابراز نفرت از حکومت اسلامی و جنایات این حکومت در بین مردم بسیار گسترده است.

برای رسیدگی به این جنایت و برای روشن شدن همه زوایای این قتل و آدمکشی، از طرف مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار و مریم نمازی مسئول نهاد "نه به شریعه" امروز پنجشنبه اول ماه دسامبر نامه ای برای رئیس پارلمان اروپا جرسی بوزک ارسال شد و رسماً از پارلمان اروپا درخواست شد که یک هیئت مستقل به آذربایجان بفرستند تا این موضوع را از نزدیک بررسی کنند.

قرار است روز سه شنبه ۶ ماه دسامبر مینا احدی در محل پارلمان اروپا با تعدادی از مسئولین پارلمان اروپا ملاقات کند و این موضوع را پیگیری کند. جمهوری اسلامی ایران که

حکومت قتل و جنایت و کشتار است، امروز باید بداند که دیگر دوره فتوا دادن و جنایتکاری آخوندها بسر رسیده و دیر نیست روزی که طومار این حکومت و باندهای اسلامی جمع شود و سران حکومت اسلامی بجرم جنایت علیه بشریت دستگیر و

## کارگران کارخانه ریسندگی پوریس دست به اعتصاب زدند

بنا بر گزارشی که اتحادیه آزاد کارگران ایران روز اول آذر منتشر کرده است، کارگران ریسندگی پوریس در شهر سنندج از صبح همان روز کلیه دستگاههای کارخانه را خاموش کردند و طی تماسی با کارفرما به وی اعلام کردند تا دریافت دستمزدهای معوقه خود درب کارخانه را خواهند بست. بنا بر این گزارش حتی نگهبانان کارخانه نیز به اعتصاب پیوسته اند و در اقدامی متحدانه پس از خاموشی دستگاهها، همه کارگران به خانه های

محاكمه گردند. ما از همه مردم آزادیخواه در سراسر جهان دعوت میکنیم که این جنایت را محکوم کرده و بهر طریق ممکن به جمهوری جنایتکار اسلامی اعتراض کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام ۱ دسامبر ۲۰۱۱

خود رفتند و فقط دو نفر نگهبان در کارخانه باقی ماند. این کارگران مدت ۸ ماه است دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند و علاوه بر آن کارفرما پس از گذشت ۸ ماه از سال ۹۰ عیدی و پاداش سال ۸۹ این کارگران را نیز پرداخت نکرده است. بنا بر خبر دیگری که اتحادیه آزاد کارگران ایران روز ۲ آذر منتشر کرد، این کارگران با دریافت یکماه از دستمزدهای معوقه خود به اعتصاب خود پایان دادند. کارفرمای این کارخانه همچنین به کارگران وعده داد تا دهم آذر ماه عیدی و پاداش سال ۸۹ آنان را نیز پرداخت خواهد کرد.

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!



## بازتاب هفته

### رویدادهای منطقه در یک نگاه!



محمد شکوهی

### سوریه: افزایش فشار انقلاب و فشارهای جهانی

در هفته گذشته اعتراضات مردم بر علیه رژیم همچنان با قدرت ادامه داشت. اعتراضات در دمشق، حمص و درعا و ترس و نگرانی های رژیم از خطر سرنگونی، جنون و جنایات حکومت بشار اسد را در سرکوب مردم افزایش داده است. در محلات حومه دمشق و شهرک های اطراف آن اعتراضات شبانه ادامه دارد. در این میان رژیم اسد در اقدامی وحشیانه و برای زهر چشم گرفتن از مردم در این هفته ۲۲ نفر از فعالین اعتراضات در مردم منطقه "زنکوس" اطراف دمشق را در ملاء عام اعدام کرده است. بنابر گزارشات منتشر شده، اجساد اعدام شدگان را در محل های اعدام رها کرده اند. منابع خبری اپوزیسیون می گویند که خانه گردیها و دستگیری های گسترده در دمشق ادامه دارد. دولت اقدام به مصادره خانه ها و اموال مخالفان و بویژه فعالین سرشناس انقلاب مردم در دمشق کرده است. در ادامه سیاست محاصره شهرها و گلوله باران خانه های مردم در مناطق جنوب حمص و دیر الزور، درعا و اطراف دمشق، نیروهای امنیتی رژیم روز جمعه ۲۵ نوامبر بیش از ۳۳ نفر را کشته و دهها نفر را زخمی کردند. شهر حمص با خاک یکسان شده و دهها هزار نفر از مردم آواره گشته اند. روز چهارشنبه ۳۰ نوامبر در ادامه اعتراضات مردم، نیروهای امنیتی بیش از ۱۴ نفر را در شهرهای حمص و دمشق کشته و دهها نفر را زخمی کرده اند.

شورای حقوق بشر سازمان ملل بعد از ماهها سکوت در برابر جنایات رژیم اسد، نظامیان و دولت این کشور را به خاطر جنایت علیه بشریت محکوم کرد. بر اساس گزارش سازمان ملل که روز دوشنبه ۲۸ نوامبر در ژنو منتشر گردید، نظامیان دولتی سوریه ۲۵۶ کودک را در جریان سرکوب های گسترده در ماههای گذشته کشته اند. این گزارش بر کشته شدن بیش از ۴۰۰۰

نفر از مردم در اعتراضات ۹ ماه گذشته اشاره کرده و تاکید کرده است که آمار قربانیان سرکوب ها بسیار بیشتر این می باشد. همزمان با ادامه اعتراضات فشارهای جهانی و منطقه ای نیز بر رژیم سوریه افزایش یافته است. در این هفته و پس از پایان اولتیماتوم اتحادیه عرب، این اتحادیه تحریمهای اقتصادی را بر علیه رژیم وضع کرده است. وزیران امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه عرب روز یکشنبه ۲۷ نوامبر تحریمهای اقتصادی علیه نظام سوریه را تصویب نمودند. دولت های عراق و لبنان در این رای گیری شرکت نکردند. بر اساس تصمیمات این نشست، اهم تحریمهای این اتحادیه بر علیه رژیم اسد به شرح زیر می باشد: "قطع روابط تجاری دولت های عضو این اتحادیه با رژیم سوریه و مسدود کردن اموال و داراییهای دولتمردان، تحریم بانک مرکزی سوریه، بلوکه کردن حساب های دولت سوریه در کشورهای عربی، توقف معاملات مالی با دولت و بانک تجارت سوریه و توقف هرگونه سرمایه گذاری بانفاهای تجاری کشورهای عربی در خاک سوریه".

دولت ترکیه هم فشارهای خود را بر رژیم اسد افزایش داده است. نماینده این دولت در اجلاس اتحادیه عرب شرکت کرد. در مرزهای مشترک ترکیه با سوریه مقرهای "ارتش آزاد ترکیه" اجازه استقرار پیدا کرده اند. همزمان با اعلام تحریمهای اتحادیه عرب کشورهای غربی نیز در حال بررسی اعمال تحریمهای گسترده بر علیه سوریه می باشند. رژیم سوریه در واکنش به اعمال تحریمها، یک بار دیگر تاکید کرده است که دولت سوریه از تحریمها نمی ترسد و به اندازه کافی ذخیره دارد و از سرکوب اعتراضات مردم که به ادعای رژیم منجر به اعمال تحریمها شده است، ابایی ندارد.

### مصر: اعتراضات و انتخابات

در هفته گذشته مردم مصر یک بار دیگر و این بار بر علیه نظامیان به خیابانها ریختند. در چندین شهر اعتراضات به ادامه حکومت نظامیان ادامه داشت. در این میان نیروهای ارتش به مردم حمله کرده و نزدیک به ۵۰ نفر را در شهر های مختلف کشته و بیش از ۱۴۰۰ نفر را زخمی کردند. گروه های اسلام گرا و بویژه اخوان المسلمین از ترس رادیکال تر شدن

اعتراضات و دست بالا پیدا کردن نیروهای سکولار، بعد از توافق با نظامیان از مردم خواستند به تظاهرات ها خاتمه داده و میدان التحریر را ترک کنند که موجب آبروریزی بیشتر برای اخوان المسلمین گردید. روز ۲۸ نوامبر انتخابات پارلمان آغاز شد. هنوز بسیاری از مردم و نیروهای مترقی مصر در میدان التحریر حضور داشته و انتخابات را تحریم کرده اند. یکی از شرایط انتخابات به نظامیان اجازه می دهد که نیمی از نمایندگان پارلمان را به نام نمایندگان کارگران و کشاورزان خود انتخاب و در واقع انتصاب کنند و گفته می شود که نظامیان با اخوان المسلمین در مورد تقسیم این سهمیه انتصابی به توافق رسیده اند. رسانه های وابسته به نظامیان، سرمایه داران، ناسیونالیست ها و اسلامسیون و همچنین رسانه های جهانی تلاش دارند این انتخابات را خیلی مهم و مورد قبول همگانی جلوه بدهند اما جامعه مصر ملتهب است و مردم اعلام کرده و تاکید کرده اند در روزهای آینده نیز به اعتراضات خود برای پایان دادن به حکومت نظامیان بدون توجه به نتیجه انتخابات ادامه خواهند داد.

### کویت: فشار اعتراضات و استعفاي دولت!

در هفته های اخیر کویت نیز شاهد گسترش اعتراضات بر علیه دولت این کشور بود. هفته گذشته مردم در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت و فساد مالی، مجلس این کشور را به اشغال خود درآوردند. در واکنش به اعتراضات مردم و بطور واقع زیر فشار اعتراضات مردم نخست وزیر این کشور به همراه کابینه استعفا داد. است. لازم به یاد آوری است که مردم معترض و مخالفان دولت اواخر هفته گذشته به دولت فرصت داده بودند که اگر تا روز دوشنبه ۲۸ نوامبر به خواسته های مردم پاسخ نگوید، اعتراضات گسترده تری را سازمان خواهند داد. در واکنش به این تهدید مردم، دولت مجبور به استعفا گردید. به گزارش رویترز محمد الصباح نخست وزیر کویت در نامه ای که در تلویزیون دولتی قرائت شد، علت کناره گیری خود و اعضای کابینه اش را " جلوگیری از رسیدن به نقطه خطرناک" و در حمایت از منافع ملی اعلام کرده است.

### بحرین ادامه اعتراضات و تقلابای رژیم!

در بحرین اعتراضات به دنبال

اعلام نتایج گزارش کمیسیون تحقیق درباره سرکوب مردم، وارد مرحله جدیدی شده است. در این گزارش که ظاهرا مورد تایید دولت نیز می باشد آمده است: دولت بحرین بطور منظم برای سرکوب تظاهرات آزادیخواهانه مردم از شکنجه استفاده می کند. تیم تحقیق پس از گفتگو با بازداشت شدگانی که نام آنها فاش نشده است جزییات شکنجه شدن آنها را، که شامل تجاوز جنسی، نابینا کردن و شلاق زدن بازداشت شدگان است، انتشار داده است. با انتشار این گزارش دولت موضع تدافعی گرفته و وعده رسیدگی به نقض حقوق زندانیان و انجام "اصلاحاتی" برای بهبود وضعیت داده است. دولت بشدت زیر فشار اعتراضات قرار داشته و اعتراضات مردم، بویژه خانواده های قربانیان سرکوبها ادامه دارد.

در این میان جریان اسلامی شیعی حزب الوفاق وابسته به جمهوری اسلامی در صدد استفاده از این وضعیت برای تحمیل سیاستهای خود بر جنبش اعتراضی مردم برآمده است. در هفته های اخیر موضوع دخالت جمهوری اسلامی در بحرین، بویژه حمایت رسمی و علنی اش از حزب الوفاق، روابط رژیم با بحرین را بحرانی تر کرده است. هفته گذشته نیز دولت بحرین از کشورهای عضو "شورای همکاری خلیج" خواست به جمهوری اسلامی فشارآورده و مانع دخالت این رژیم در اوضاع بحرین بشوند. تلاش های جریان اسلامی با حمایت جمهوری اسلامی و متقابلا تقلابای دولت این کشور برای کنترل اوضاع، این کشور را در آستانه جنگ داخلی بین دار و دسته های مذهبی شیعه وابسته به جمهوری اسلامی و سنی وابسته به حکومت قرار داده است. هر دو طرف درگیر در این مورد در صدد استفاده از اعتراضات مردم برای رسیدن به مقاصد سیاسی و مذهبی خود بوده و تلاش دارند به اعتراضات مردم رنگ مذهبی زده و از آن بنفع خود استفاده نمایند. اوضاع بحرین و وضعیت حکومت یحیی بحرانی است که بدون دخالت نیروهای نظامی عربستان که از چند ماه پیش عملا بحرین را اشغال کرده اند، ادامه حکومت رژیم ممکن نیست.

### یمن: انتقال قدرت به معاون صالح و ادامه اعتراضات!

بعد از گذشت بیش از هشت ماه از آغاز اعتراضات مردم یمن بر علیه رژیم صالح، بالاخره رژیم صالح با پا در میانی سازمان ملل طرح شورای همکاری خلیج برای پایان دادن به بحران را پذیرفت. بر اساس این طرح دیکتاتور یمن هفته گذشته در عربستان این طرح را رد قیال گرفتن "تضمین های" امضا کرده و قدرت را به معاونش داد. بر اساس این طرح قرار است وی انتخابات را سازمان بدهد. بدون توجه به این زد و بندهای حکومت از بالا اعتراضات مردم کماکان ادامه دارد. در هفته

### مراکش: ترس از اعتراضات و برگزاری انتخابات!

در مراکش از اوایل فوریه اعتراضات بر علیه رژیم آغاز گشته بود، اما به دنبال وعده های رژیم برای

اصلاح قانون اساسی، و همچنین آزادی فعالیت احزاب سیاسی و برخی رفرمها، تا حدودی کاهش پیدا کرد. مردم معترض و فعالان سیاسی منتظر نتایج رفرمهای حکومتی بودند. با دادن وعده برگزاری انتخابات پارلمانی با شرکت احزاب، رژیم مراکش موفق شده تا حدودی اعتراضات را مهار نماید. هفته گذشته بالاخره انتخابات برگزار گردید و همانطوریکه انتظار میرفت حزب اسلامی عدالت و توسعه با بدست آوردن ۱۰۷ کرسی از مجموع ۳۹۵ کرسی پیروز انتخابات شد. بسیاری از احزاب چپ و سکولار و همچنین جنبش انقلابی ۲۰ فوریه این انتخابات را تحریم کردند. میزان شرکت مردم در انتخابات کمتر از ۴۵ درصد بود. اکثریت مردم در پاسخ به فراخوانهای تحریم انتخابات گروههای سیاسی مخالف حکومت عملا در انتخابات شرکت نکرده و با برپایی تظاهراتهایی اعتراض خود را به کل رژیم یک بار دیگر اعلام کردند. در روز برگزاری انتخابات در رباط پایتخت مراکش تظاهرات هزاران نفره برپا گردید. معترضان به نتایج انتخاباتی که از پیش نتیجه اش معلوم بود، اعتراض داشته و اعلام کردند که رژیم تمام سعی و تلاش خود را برای کنترل و مهار اعتراضات به کار گرفته و انتخابات حکومتی هم یکی از این سیاستها بود. احزاب و سازمانهایی که اعتراضات فوریه امسال را سازمان داده بودند، دوباره فراخوان ادامه اعتراضات را داده و از مردم خواسته اند فریب رفرمهای حکومت که تلاشی برای حفظ قدرت و رژیم می باشد، نخورده و به اعتراضات خود برای ایجاد تغییرات بنیادی در مراکش ادامه بدهند.

## بازتاب هفته

### کنفرانس دوربان و افزایش خطر آلودگی هوا



بهروز مهر آبادی

برای انتشار دی اکسید کربن تعیین نمود. آنها می توانند با پرداخت پول بیشتر سهمیه بیشتری را در این بازار خریداری کرده و به میزان بیشتری گازهای گلخانه ای تولید نمایند این سهمیه در بازار خرید و فروش می شود یعنی مسموم کردن هوا برای نهاد های سرمایه داری که امکان پرداخت پول بیشتری دارند، مجاز بشمار می رود.

شکست کنفرانس دوربان قبل از شروع آن اعلام شد. برگزاری این کنفرانس را می توان يك دلخوشی برای کسانی دانست که جلوگیری از فجاج محیط زیستی را در چهارچوب قراردادها و مناسبات سرمایه داری امکان پذیر می دانند. محیط زیست قبل از اینکه مسئله مهمی برای دولت های سرمایه داری باشد، ابزاری در معاملات سیاسی و تبلیغات انتخاباتی است. پیمان نامه های مربوط به محیط زیست در سطح جهانی و حتی در سطح ملی هم بندرت ضمانت اجرایی داشته و جدی گرفته می شوند. آنها در در زمانی آمریکا، کانادا و بسیاری از کشورهای اروپایی چندین سال است که با بحران زمزم و رو به رشد اقتصادی روبرو هستند. کسب سود بیشتر و "منافع ملی" یا عبارت صریحتر منافع سرمایه داری هر کشور و تنگ نظری و کوتاه بینی سرمایه نمی تواند جایی برای فکر کردن به خطری که هر روز زندگی ساکنین کره زمین را تهدید می کند، باقی بگذارد.

گزارش های منتشر شده نشان می دهد که در سالهای اخیر متوسط دمای کره زمین يك و نیم درجه سانتیگراد بالا رفته است. پیشنهادات بیشتر کارشناسان محیط زیست در این جهت است که با موافقت دولتها این میزان تا دو درجه سانتیگراد ثابت نگاه داشته شود. اما گزارش سازمان بین المللی همکاری برای انرژی IEA در شرایط حاضر و در صورتی که تصمیم های فوری و جدی گرفته نشود قبل از سال ۲۰۵۰ افزایش دمای متوسط زمین به میزان سه و نیم درجه خواهد بود. چنین امری به معنی چندین برابر شدن ابعاد فاجعه های طبیعی است. در چنین شرایطی خشکسالی در نواحی خشک بسیار شدیدتر و در نواحی مرطوب خطر سیلاب ها و آبگرفتگی ها بیشتر خواهد شد. بالا آمدن آب دریا ها بخش های بزرگی از مناطق ساحلی که اغلب پرجمعیت هستند، مورد تهدید قرار

توفان های شدید، سیلاب های مهیب، خشکسالی، بالا رفتن سطح آب دریا ها، قحطی و گرسنگی، بیخامنای و آوارگی که کارشناسان بخشی مهمی از آن را ناشی از تغییرات جوی و گرم شدن تدریجی کره زمین می دانند، نتوانسته است امید به توافق در کنفرانس جهانی هوا در دوربان را بوجود آورد. این اجلاس دو هفته ای از ۲۸ نوامبر یعنی سه روز قبل شروع شده و تا ۹ دسامبر ادامه خواهد یافت. بن به تعریف قرار است این نشست که با شرکت نمایندگان دولت ها و متخصصین در آفریقای جنوبی برگزار شده، بین دولتها توافقی برای کاهش گازهای گلخانه ای بوجود آورد. اما شواهد نشان می دهد که کنفرانس دوربان هم نتیجه ای بهتر از کنفرانس سالهای قبل در بالی، کپنهاگ و کانکون نخواهد داشت.

تحت فشار جنبش های دفاع از محیط زیست و خطر فاجعه محیط زیستی که دانشمندان و پژوهشگران هشدار داده بودند، در سال ۱۹۹۷ پیمان کیوتو توسط دولت های مختلف امضا شد. بر اساس این پیمان کشورهای صنعتی می بایست تولید گازهای گلخانه ای خود را در مقایسه با سال ۱۹۹۰ به میزان ۵٫۲ درصد کاهش دهند. این پیمان فاقد صراحت و دقت است و استثنائات و ضمانت های مختلفی دارد که جای تفسیر های گوناگون را باز می گذارد. تا پایان سال ۲۰۰۷ تعداد ۱۷۴ کشور این پیمان را امضا کرده اند. اما دو دولت آمریکا و چین که بزرگترین منابع تولید گازهای مسموم کننده هوای کره زمین هستند، نسبت به این پیمان تعهدی ندارند. آمریکا این پیمان را امضا نکرده است و چین هم بر اساس پیمان کیوتو در ردیف کشورهای در حال توسعه به حساب آمده و تعهدی برای رعایت این قرار داد ندارد. در راستای اجرای پیمان کیوتو اتحادیه اروپا بازاری ایجاد کرد و برای کارخانه ها و نیروگاه ها سهمیه هایی

### رویدادهای منطقه در ...

گذشته و به دنبال اعلام شروط صالح برای کناره گیری از قدرت، بویژه "منع تحت تعقیب بودن خود و وابستگی حکومتی اش" اعتراضات وسیع و گسترده ای در چندین شهر این کشور برگزار گردید. شعار اصلی تظاهرات ها دستگیری و محاکمه صالح بود. در شهرهای عدن و تعز نیروهای وفادار به رژیم به تظاهرات مردم حمله کرده و تعدادی را کشته و زخمی کرده اند. بر اساس توافقات

### تجمع اعتراضی کارگران بیکار در مقابل پالایشگاه آبادان

شمار زیادی از کارگران بیکار و جوانان جویای کار در شهر آبادان روز ۲۹ آبان در مقابل درب اصلی پالایشگاه آبادان تجمع اعتراضی برپا کردند. این جوانان خواهان رفتن به سر کار و تأمین شغل مناسب برای خود و دیگر بیکاران شهر شدند.

### تظاهرات گسترده ی کارگران در تبریز

هزاران نفر از کارگران و بازنشستگان آذربایجان شرقی در تبریز در سالگرد تصویب قانون ضد کارگری کار اسلامی و در اعتراض به برده وارتر شدن قوانین حاکم بر کار، بر علیه این قانون اقدام به تظاهرات کردند. به گزارش آذوح این کارگران با سردادن شعارهایی نظیر "کارگر اویاخدی اوز حقیقینه دایاخدنی" (کارگر بیدار است، از حق خود آگاه است) و "وزیر بی لیاقت استعفا استعفا" خواهان رسیدگی به ماهها بیکاری و عدم دریافت حقوق خود شدند. این کارگران با در دست داشتن پارچه نوشته ها و سردادن شعار، اعتراض خود را نسبت به پیش نویس اصلاح قانون کار اعلام داشتند. یکی از این کارگران گفت: ما هر روز شاهد خالی تر شدن سفرهای کارگران و بازنشستگان هستیم که وضعیت آنان با وجود تورم و کمتر شدن قدرت خرید هر روز بدتر می شود. این تجمع پرشور در حالی برگزار گردید که نیروهای امنیتی از روزهای گذشته با تهدید فعالین کارگری آنان را نسبت به برخوردهای شدید هشدار داده بودند.

### ادامه تجمع کارگران لوله سازی اهواز در مقابل دفتر حراست کارخانه

صبح روز سه شنبه اول آذرماه

خواهد داد. برای نمونه سرزمین گرینلند که وسعت آن از ایران بیشتر است به زیر آب خواهد رفت. بنا به گزارش های منتشر شده اثرات تخریب محیط زیست حتی با افزایش دمای زمین به میزان فعلی هم رو به افزایش و بسیار خطرناک است. فشار آوردن به دولت ها و گسترش اعتراضات می تواند اندکی در مسابقه مهیبی که برای نابودی محیط زیست بین نهاد های مختلف سرمایه داری در جریان است، وقفه ایجاد کند. اما تغییر چشم انداز مهیبی که در مقابل بشریت ترسیم شده، بجز مقابله قاطع با سرمایه داری امکان پذیر نیست. اهمیت دادن به آسایش، امنیت و رفاه انسانها و توجه به سرنوشت نسل های آینده در خصلت سرمایه داری نیست. تخریب محیط زیست را باید همچون جنگ، فقر، گرسنگی، بیخامنای از عوارض مخرب این نظام وارونه به حساب آورد. \*

### هواپیمای صالحی اجازه عبور نیافت

هواپیمای علی اکبر صالحی وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۶ آذر اجازه عبور از آسمان مجارستان را دریافت نکرد. او نتوانست راه دیگری برای سفر به هلند پیدا کند و شرکت وزیر خارجه رژیم در اجلاس منع گسترش سلاح های شیمیایی در لاهه منتفی شد. روز بعد رسانه های داخلی از قول يك "مقام آگاه" وزارت خارجه اعلام کردند که دولت مجارستان با طرح برخی مسائل فنی از صدور مجوز عبور برای هواپیما خودداری کرده است. اما مهمان پرست سخنگوی وزرات خارجه رژیم ممانعت از سفر صالحی را ناشی از فشار آمریکایی ها دانست و اعلام کرد که وزارت امور خارجه از سفیر مجارستان توضیح خواسته است. این خبر کوتاه را می توان قدرت نمائی دولتهای غربی در مقابل جمهوری اسلامی دانست. ممانعت از سفر وزیر خارجه توسط مجارستان اوج استیصال و درماندگی حکومت را آشکارا جلوی چشم میگذارد. از هم پاشیدگی و نزاع های داخل نظام، و سر بلند کردن يك جنبش سرنوشتی میلیونی علیه حکومت، امکان قلدری و عربده کشی در سطح بین المللی را از رژیم گرفته است. جمهوری اسلامی هم در سطح بین المللی در انزوای کامل قرار گرفته و هم در داخل در حلقه نفرت و انزجار مردم قرار دارد. \*

### از صفحه ۵

انجام شده وابستگان خانواده دیکتاتور یمن و روسا و فرماندهای نیروهای مسلح و سازمان های اطلاعاتی و امنیتی که در سرکوب مردم مستقیما دست داشته اند، قرار "منع تعقیب" شامل حالشان شده و می توانند بدون مجازاتی این کشور را ترک نمایند. مردم خواهان دستگیری و محاکمه صالح بوده و به اعتراضات خود ادامه می دهند. \*

بیش از ۱۰۰ تن از کارگران کارخانه لوله سازی اهواز در اعتراض به عدم دریافت ۲۷ ماه حقوق خود بار دیگر دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران از با تجمع در مقابل ساختمان حراست کارخانه بار دیگر به بی اعتنایی و عدم پاسخگویی مقامات به وضعیت خود اعتراض کرده و به ادامه تجمعات خود تا پاسخگویی مسئولین و گرفتن حقوق خود باز هم تاکید کردند.

در خبر دیگری که روز ۶ آذر منتشر شده است، از این خبر داده بود که اعتراض این کارگران با تجمع در مقابل ساختمان حراست این شرکت، وارد هفتمین هفته خود شده است.

### مهلت خواستن از کارگران مخابرات راه دور

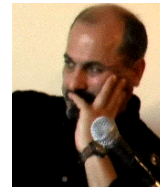
بدنبال اعتراضات و تجمعات مستمر کارگران شرکت مخابرات راه دور طی ماههای اخیر مبنی بر عدم پرداخت ۲ سال حقوق معوقه شان، سرانجام مقامات استانداری در وحشت از ادامه و گسترش این اعتراضات در شیراز و تهران از کارگران معترض یکماه مهلت خواستند. کارگران يك ماه مهلت دادند تا حقوقشان بعد از این زمان بندی پرداخت شود در غیر اینصورت تجمعات و اعتراضات مجدداً برگزار خواهد شد.

### تجمع کارگران شهرداری خرمشهر

بیش از ۵۰۰ تن از کارگران شهرداری خرمشهر روز یکشنبه ۲۹ آبان هم در مقابل شهرداری خرمشهر دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران از اولین ساعات صبح مقابل شهرداری تجمع کرده و خواستار ۶ ماه حقوق معوقه خود شدند.

## مسئله ملی در ایران، ...

از صفحه ۱



شادی هم شریک بودند، کودکانی که تا دیروز همبازی بودند، هم مدرسه ای بودند با چه قسواتی توسط شبه نظامیان صرب و کروات و غیره قتل عام شدند و جنازه هایشان بعداً در گورهای دسته جمعی پیدا شد. و البته همه ظاهراً داشتند پرچم پرافتخار و مقدس ملت خودشان را روی دریایی از خون ملت مقابل به اهتزاز در میاورند. میگویم ظاهراً چون میدانیم که پشت اغلب این تحریکات ملی و قومی، منافع واقعی و اقتصادی و سیاسی باندهایی در کار بود که معمولاً بعد از استقلال بساط چاییدن همان ملت خودی را برپا کردند.

تا آنجا که به تیتیر جلسه مربوط است سوالات محوری اینها هستند: ۱- آیا در ایران ستم ملی هست؟ ۲- اگر هست زمینه و عللش چه ها هستند؟ و ۳- راه رها شدن از این ستم ملی چیست؟

اجازه بدهید به دو سؤال اول و دوم یکجا بپردازم به این دلیل که وجود ستم ملی فقط میتواند از طرف ایدئولوگهای فاشیست بازمانده از نظام سلطنتی و وارثین اسلامیشان در حکومت اسلامی انکار شود و نیازی به بحث مفصل ندارد. اینها حافظان سیاسی یک نظام طبقاتی بوده اند و هستند که تبعیض علیه انسانها در اشکال متنوع جزوی جلدانشدن از ساختارشان است. تبعیض در اشکال مختلف اکسیژن سیاسی این نظامهای طبقاتی است و معلوم است که باید هم ستم ملی را دامن بزنند و هم وجودش را انکار کنند. برای مردمی که چهره کریه ستم ملی را در هر لحظه از زندگی شان با پوست و گوشت احساس میکنند نیازی به اثبات وجود ستم ملی نیست.

## ستم طبقاتی، ستم ملی

میدانیم که تبعیض طبقاتی بینادی ترین و دائمی ترین تبعیض در یک جامعه سرمایه داری است. این حقیقت که اکثریت این جامعه، اینجا اکثریت عظیم مردم ایران که در چارچوب آن به اصطلاح گریه مقدس



زندگی میکنند، همه ثروت و رفاه و آسایش جامعه را خلق میکنند اما سهمشان فقط بخش ناچیزی از محصول ساخته دست خودشان است تا زنده بمانند و مجدداً بتوانند وارد دور جدید خدمت به وطن یعنی همان تولید ثروت برای اقلیت مفتخور شوند. اگر هم به همین تبعیض اعتراض کنند کارشان با ساواک و ساواما می افتد که ظاهراً پاسداران وطن و ملت و ملیت و تمامیت ارضی و پرچم مقدس و غیره هستند. جالب است که یک بخش این اکثریت عظیم در آذربایجان هستند و به زبان ترکی حرف میزنند؛ یک بخشش در خوزستان هستند و به زبان عربی تکلم میکنند؛ یک بخشش، در شیراز و فارس و یزد هستند که به زبان فارسی حرف میزنند و همچنین سایر نقاط ایران. همچنانکه یک بخش همان اقلیت طبقه حاکم در تبریز و ارومیه و اردبیل هستند و ترکی صحبت میکند و بخش دیگرش در جاهای مختلف ایران که به عربی و لری و فارسی و غیره تکلم میکنند. به این معنا ستم طبقاتی یک ستم پایه ای است که فراتر از مرزها و پرچمها و انواع و اقسام هویتهاست و دارد همه روزه زندگی میلیونها انسان "ترک و فارس و عرب و بلوچ و ترکمن و گیلک" و غیره را له میکند و نابود میکند.

فورا این سؤال پیش میاید که پس دیگر هیچ تبعیض و ستم دیگری غیر از ستم طبقاتی در جامعه نیست؟ روشن است که جواب منفی است. طبقات حاکم فقط با دار و اعدام و شکنجه نمیتوانند این وضعیت نابرابر را حفظ کنند. به ایدئولوژی نیاز دارند، به مذهب نیاز دارند، به فرهنگ نیاز دارند، به تحریک هیجانانگیز ملی و قومی نیاز دارند. برای این کار نیاز دارند این جامعه را به هر شکل و به هر بهانه ای تقسیم کنند و تحقیر کنند و له کنند و سرپیژندند. نیاز دارند که اتحاد طبقاتی کارگر ترک و فارس و عرب و بلوچ و ترکمن و لر و غیره را

در هم بشکنند. نیاز دارند بخشهای مختلف این طبقه را یک بار به عنوان کارگر استثمار کنند و له کنند و بار دیگر به عنوان زن و بار دیگر به عنوان ترک و لر و عرب و بلوچ و غیره.

روشن است که ستم ملی یک مسئله واقعی است. اما ستم فارسهای ایران یعنی طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر فارس علیه کارگران و سرمایه داران ترک نیست. ستم سرمایه داری ایران به سرکردگی رضاشاه و محمد رضاشاه و خامنه ای علیه بخشی از جامعه در ایران بوده و هست. ایدئولوژی رسمی این ستم در ایران ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی است که قبلاً در نظام سلطنتی تبلور پیدا کرده بود و امروز بخشهایی از اپوزیسیون سلطنت طلب به شیورش دمند و همین الان حتی بخشی از حکومت اسلامی هم از آن به عنوان ابزار سیاسی استفاده میکند.

## اهمیت مبارزه با ستم ملی

نمیتوان به خاطر اهمیت بنیادی ستم طبقاتی در جامعه سرمایه داری گفت که خوب پس دیگر تبعیض ملی مهم نیست و باید نظام طبقاتی را زیر و رو کرد و بقیه تبعیض خود بخود رفع میشوند و خیال خود را راحت کرد. این در یک نگاه تاریخی تر درست است به این معنا که تا زمانیکه جامعه طبقاتی است انواع تبعیضها در این نظام در اشکال جدید تولید و بازتولید میکنند. مثال مذهب یک نمونه است. مذهب مخلوق نظام سرمایه داری نیست و اصلاً انقلاب بورژوازی فرانسه بیشترین ضربه را به مذهب زد اما در

انتهای قرن بیستم، در جریان انقلاب ۵۷، سرمایه داری جهانی تشخیص داد لازم است در مقابل چپ گرایی در منطقه مذهب را در قالب اسلام خمینی دوباره میداندار کند. اگر میخواهیم از دست مذهب کاملاً رها شویم باید آن نظام و آن زمینه هایی را از بین ببریم که به مذهب نیاز دارد و تولیدش میکنند. ولی نمیتوان با آروزی جامعه نابرابر طبقاتی مبارزه با مذهب و اسلام سیاسی را تعطیل کرد. در مورد مسئله ملی هم همین صادق است. در نهایت باید نظام طبقاتی را از بین برد که زمینه

تبعیض ملی از بین برود اما همین امروز ستم ملی وجود دارد و باید علیه اش همین امروز مبارزه کرد و اتفاقاً مبارزه علیه این جلوه تبعیض بخشی از مبارزه علیه نظام طبقاتی است.

در نتیجه سؤال این نیست که آیا باید برای رفع ستم ملی تا تعیین تکلیف طبقات در جامعه صبر کرد. سؤال این است که راه موثر مبارزه علیه این ستم چیست؟

## ناسیونالیسم عظمت طلب، ناسیونالیسم قومی، دو روی یک سکه

قبل از هر چیز باید تاکید کرد که با هیچ ستمی نمیتوان با مفروضات همان ستم مبارزه کرد. برای مثال، نمیتوان ستم تاریخی علیه زن را با اعلام برتری زنان به مردان از بین برد. نمیتوان ستم تاریخی علیه سیاهان را با اعلام برتری نژاد سیاه پوست علیه نژاد سفید پوست پیش برد. نمیتوان ستم علیه مذهب یهود را با اعلام برتری قوم یهود از بین برد. نمیتوان ستم علیه مردم عرب زبان یا ترک زبان را با اعلام برتری "قوم عرب یا ترک" از میان برد. و در کل نمیتوان علیه ستم ملی با اعلام برتری ملی مبارزه کرد. کسانی که ادعا میکنند خلیج فارس همیشه فارس بوده است، تفاوتی ندارند با کسانی که الان میگویند اسم این خلیج اصلاً خلیج کنگر بوده است که به قومی ترک زبان به همین نام در هزاران سال پیش برمیگردد که گویا در بین النهرین زندگی میکرده اند. نمیتوان با فاشیسم آریایی با توسل به اینکه نسل ما از شیر یا گاو است مبارزه کرد.

ناسیونالیسم عظمت طلب و ناسیونالیسمی که سعی میکند به عنوان نماینده ملت تحت ستم ظاهر شود، در یک کاراگر سیاسی بسیار شبیه هم هستند. اولی ملت و قومی را برتر اعلام میکند و به نمایندگی از آن ملت و قوم به اصطلاح برتر ستم به میلیونها انسان دیگر را توجیه و تشویق میکند و دومی روی آرزوها و خواسته های انسانی همان میلیونها انسان تحت ستم سوار میشود و به نمایندگی از آنها مبارزه انسانی همانها را تحقیر میکند. هر دو انسانها را از هویت و خواسته

انسانیشان تهی میکنند، از خودشان و از انسانیت و حس بشر دوستیشان بیگانه میکنند. هیچکدام به انسانها به عنوان شهروندان با حقوق کاملاً برابر جامعه نگاه نمیکند. و دقیقاً به همین دلیل اینها نه تنها نمیتوانند حتی یک گام برای رفع ستم ملی بردارند بلکه جدایی ملی و تقسیم انسانها به ملتها و تبعیض بر اساس تعلق به یک ملت معین را دائمی میکنند. در یک کلام نمیتوان علیه ناسیونالیسم و با ابزار ناسیونالیسم مبارزه کرد. و به این معنا ناسیونالیسم عظمت طلب و ناسیونالیسم تحت ستم دو روی یک سکه هستند و مضر به سعادت و خوشبختی انسانهاست.

## اعتراضات مردم آذربایجان، تحرک ناسیونالیستها

ستم ملی در آذربایجان و اعتراضات اخیر و برخورد ناسیونالیستها به این اعتراضات دقیقاً یک نمونه برجسته به مشابه مصداق این نکاتی است که مطرح کردم. قبل از هر چیز باید با صراحت این را گفت که نباید مبارزه مردم آذربایجان که در سال ۸۵ علیه مطلب تحقیر آمیز و راسیستی روزنامه دولتی ایران و همین چند ماه پیش در اعتراض به خشک شدن دریاچه ارومیه راه افتاد از یکطرف، و تحرک ناسیونالیستهای رنگانگی که راه افتادند تا سوار مبارزه شجاعانه و بحق مردم آذربایجان شوند و محتوای انسانی و آزادیخواهانه و ضد رژیم این مبارزه را تحریف کنند را در یک سبد گذاشت. این دو، دو پدیده کاملاً متفاوتی هستند. مردم آذربایجان در هر دو مورد به خیابانها ریختند تا در وهله اول از شر این دمل چرکین یعنی جمهوری اسلامی رها شوند. از ستم و تبعیض و تحقیری که این حکومت تحمیل کرده است رها شوند. این یک جنبش برای آزادی، برای حرمت انسانی، برای رها شدن از هر نوع تبعیض و تحقیر اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و همچنین ستم ملی بود. این جنبشی علیه فقر و فلاکتی بود که در ورطه اش کارگر آذربایجان - دقیقاً مثل کارگر اصفهان و مشهد و اهواز - غوطه ور

## نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!



## مسئله ملی در ایران، ...

است. این جنبشی برای رها کردن دختران و زنان آذربایجان از ستم ۳۲ ساله ای است که نمونه اش را فقط در قرون وسطی میتوان یافت و دختران و زنان تهران و اراک و شیراز و مشهد و غیره هم عینا از آن رنج میبرند. این اعتراض علیه خفقان اسلامی بود. و به این معنا این جنبش در کنار جنبش سراسری مردم ایران در سال ۸۸ بود. بی دلیل نیست که مردم علیه حکومت شعار دادند و با نیروهای سرکوب حکومت اسلامی درگیر شدند.

ناسیونالیسم قوم پرست آذری چه کار کرد؟ تلاش مذبحخانه ای کرد محتوای ضد رژیم این اعتراض را خفیف کند و رنگ ملی ضد فارس به آن بزند. مردم با او باش سپاه و بسیج اسلامی در همان تبریز و ارومیه و اردبیل مصاف کردند و گوناز تی وی گفت که مردم سرکوبگران از مناطق فارس نشین وارد شده اند. مردم با دستگاه سرکوب حکومت درگیر شدند و قوم پرستان آخوندها و سپاه و بسیج ترک زبان را برادر مردم خطاب کردند. مردم گفتند "ارومو گولو جان ویریر، مجلس اونون قتلینه فرمان ویریر" (دریاچه ارومیه جان میدهد، مجلس به قتلش فرمان میدهد)، گوناز تی وی گفت نه خیر شعار ما

## از صفحه ۷

این است که "ارومو گولو جان ویریر، فارسلاز اونون قتلینه فرمان ویریر" (دریاچه ارومیه جان میدهد و فارسها به قتلش فرمان میدهند). این بسیار گویاست. واقعا تلویزیونی که ریگی به کش نداشته باشد میتواند تلاش کند شعار صریحا ضد رژیمی مردم را به شعار علیه فارسها تبدیل کند؟ شعارهای ضد رژیمی مردم فوراً میتوانست احساس همبستگی آن میلیونها انسانی که در سال ۸۸ به خیابانها ریختند را جلب کند در حالیکه شعارهای ناسیونالیستهای قوم پرست علنا تلاشی برای جدایی انداختن میان مبارزه سراسری مردم ایران بود.

جالب است که در این مورد یعنی برخورد به رژیم اسلامی هم، ناسیونالیسم عظمت طلب آریایی و ناسیونالیسم قوم پرست دو روی یک سکه هستند. به خاطر بیاورید که وقتی صحبت حمله نظامی به مراکز اتمی ایران شد داریوش همایون به نمایندگی از طیفی از همین ناسیونالیستها علنا گفت باید برای حفظ تمامیت ارضی مقدس در کنار جمهوری اسلامی قرار گرفت.

من در چهره مردم آذربایجان، سیمای جوانان و زنان و مردان میدان تحریر در مصر را می بینیم که

باشعار نان و آزادی و حرمت انسانی تحسین جهانیان را برانگیختند. سیمای زنان و مردان جوانان شجاع تهران را میبینم که در سال ۸۸ با یک رژیم تا دندان مسلح شجاعانه جنگیدند. در مقابل در چهره کسانی که امروز در تلویزیونها ظاهرا به نفع مردم ترک زبان حرف میزنند و مبارزه ضد رژیمی مردم را با این تبلیغات تهنع آور که ما فارسها را تا کرمان و یزد دنبال خواهیم کرد مخدوش میکنند، سیمای جنایتکارانی مثل میلوسویچها، کارادیچها، آرکانها و توجمانها را میبینم. همچنانکه در چهره داریوش همایونها و آریا پرستان رنگارنگ چهره فاشیسم هیتلری را میبینم. اینها برای سعادت و آرامش بشر امروز سم هستند.

## راه حل حزب برای رفع ستم ملی

راه حل حزب کمونیست کارگری، ۱۷ سال پیش به صراحت در برنامه اش اعلام شده است. برای حزب ما برابری انسانها یک مفهوم محوری است. ما در مقابل هر نوع مقدسات چه مذهبی و چه قومی که برابری انسانها را زیر سؤال میبرد و انسانها را بر اساس جنسیت و نژاد و مذهب و ملیت و غیره تقسیم میکند هستیم. حزب هیت ملی و مذهبی دادن به انسانها و بر این اساس بخشی از انسانها را برتر و بخش دیگر را پست

اعلام کردن را تمایلات عقب مانده و سیاستهای ارتجاعی و مضر به حال بشر میداند. حزب يك اصل عمومی دارد: خواهان زندگی مردم متناسب به ملیتهای مختلف به عنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق است. در عین حال، در هر موردی که سابقه ستم ملی و تخاصمات میان مردم متناسب به ملیتهای مختلف همزیستی میان آنها را در چهارچوبهای کشوری موجود را دشوار و مشقت بار ساخته باشد، حق جدایی ملل تحت ستم و تشکیل دولت مستقل از طریق مراجع مستقیم به آرای خود آن مردم را به رسمیت میشناسد. از نظر حزب در چنین شرایطی هیچ نیرویی حق ندارد با توسل به زور و اسلحه و قشون مردمی را به ماندن مجبور کند یا مجبور کند جدا شوند. این خود مردم هستند که باید در شرایط کاملا آزاد به ماندن در يك چهارچوب وسیعتر جغرافیایی به عنوان شهروندان با حقوق برابر یا جدا شدن از آن تصمیم بگیرند.

اجازه بدهید صحبتیم را با این جمله تمام کنم که موطن آدمی را در هیچ نقشه ای نشانی نیست. موطن آدمی در قلب کسانی است که دوستش میدارند.

ما جامعه ای می خواهیم که در آن هیچ حکومت و هیچ نهادی به نام هیچ مقدساتی حق ندارد به مردم

بگوید چگونه فکر کند، چه مذهبی داشته باشد، چه جور لباس بپوشد و به چه زبانی حرف بزنند. و روشن است که فقط در چنین شرایطی سم مذهب و زن ستیزی و قوم پرستی دیگر جایی برای مسموم کردن هیچ بخشی از مردم را نخواهد داشت.\*

۱۹ نوامبر ۲۰۱۱، ۲۸ آبان ۱۳۹۰

## توضیح سخنان:

این مطلب، متن سخنرانی در جلسه ای است که در تاریخ ۱۹ نوامبر ۲۰۱۱ (۲۸ آبان ۱۳۹۰) در پالناک در اتاق "ایران، گفتمان سیاسی نیروهای دموکراتیک و انقلابی" برگزار شد. سخنرانان این جلسه، مینا احدی (سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار و عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران، دکتر ضیا صدرالاشرفی (نماینده و سخنگوی کنگره ملیتهای ایران فدرال) و محسن ابراهیمی (عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران و سردبیر نشریه کمونیسم کارگری، نشریه تئوریک سیاسی حزب) بودند. این جلسه با استقبال وسیع مواجه شد. بحثهای شفاهی این جلسه از طریق اینترنت در دسترس خواهد بود.

این متن سخنرانی نویسنده است که در جلسه مذکور ارائه شد. فقط در جریان ارائه شفاهی، اینجا و آنجا نکات مختصری اضافه شد.

میکنیم. در این متن طبعاً بسیاری مسائل مشخص و بلافصل هست که بر ۱۶ آذر رنگ میزند. الغاء تبعیض و آپارتاید جنسیتی، این سلاح کشیف و مخوف اسلام سیاسی، در صدر مطالبات و اعتراضات بلافصل قرار میگیرد. چرا که جمهوری اسلامی بویژه تلاش کرده است از طریق سفت کردن بندهای آپارتاید جنسیتی مگر دانشگاه را ساکت و مرعوب کند. در همین رابطه آزادی دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی از خواست های فوری و مبرم است. خواست آزادی بی قید و شرط بیان و فعالیت سیاسی آزادانه در دانشگاه نیز از جمله مطالبات کلیدی و فوری است. ۱۶ آذر فرصتی است تا دانشگاه در سطحی سراسری حول مطالبات و پرچم واحدی متحد شود. در این رابطه یک بار دیگر توجه همه دانشجویان را به "پلاتفرم اتحاد سراسری.. جلب

باشد. در این متن طبعاً بسیاری مسائل مشخص و بلافصل هست که بر ۱۶ آذر رنگ میزند. الغاء تبعیض و آپارتاید جنسیتی، این سلاح کشیف و مخوف اسلام سیاسی، در صدر مطالبات و اعتراضات بلافصل قرار میگیرد. چرا که جمهوری اسلامی بویژه تلاش کرده است از طریق سفت کردن بندهای آپارتاید جنسیتی مگر دانشگاه را ساکت و مرعوب کند. در همین رابطه آزادی دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی از خواست های فوری و مبرم است. خواست آزادی بی قید و شرط بیان و فعالیت سیاسی آزادانه در دانشگاه نیز از جمله مطالبات کلیدی و فوری است. ۱۶ آذر فرصتی است تا دانشگاه در سطحی سراسری حول مطالبات و پرچم واحدی متحد شود. در این رابطه یک بار دیگر توجه همه دانشجویان را به "پلاتفرم اتحاد سراسری.. جلب

۹ آذر ۱۳۹۰ - ۳۰ نوامبر ۲۰۱۱

۹ آذر ۱۳۹۰ - ۳۰ نوامبر ۲۰۱۱

## ۱۶ آذر دانشگاه ها را "اشغال" کنید!

علیه تبعیض و اختناق، علیه جمهوری اسلامی به میدان آبیید! پرچم انقلاب "۹۹ درصدی ها" علیه سرمایه داری را برافرازید!

از تظاهراتهای ۱۶ آذر شنیده شد) جهانی شده بود! اما فقط این دیکتاتورهای خاورمیانه نیستند که دود میشوند و یا بر خود میلرزند. موج جنبش های انقلابی و تظاهراتهای عظیم که جوانان نقش اصلی در آن دارند از انگلیس و اسپانیا و یونان و اسرائیل تا آمریکا و شیلی را به لرزه در آورده است. تا یکسال پیش هنوز انقلاب خونت محسوب میشد و جزو لیست سپاه ادبیات میدیا و آکادمیها بود. حالا اوباما و سرکوزی هم میگویند "صدای آرا شنیده ایم" و امثال خامنه ای از ترس آن آیه "بیداری اسلامی است" میخوانند و دور خود فوت

شانزده آذر روز اعتراض سراسری دانشگاه، این "سنگر آزادی و برابری"، روز هراس و وحشت جمهوری اسلامی فرا میرسد. اما امسال با هرسال فرق دارد. طی یکسال گذشته دنیا به اندازه دهها سال تغییر کرده و چشم انداز تغییرات بسیار بزرگتر در پیش است. ۱۶ آذر طبعاً رنگ زمان خود را میگیرد. درست یکسال قبل همین روزها آتش انقلابی جهانی با خودسوزی يك جوان تونس شروع شد که در مدت کوتاهی دیکتاتورهای چندین ده ساله خاورمیانه و شمال آفریقا را یکی بعد از دیگری خاکستر کرد. گویی شعار "مرگ بر دیکتاتور" انقلاب ۸۸ ایران (که اولین بار در یکی

## زنده باد سوسیالیسم!



## اطلاعیه شماره ۱۶: آزادی موقت ابراهیم مددی از زندان



بنا بر خبر منتشر شده از سوی سندیکای کارگران شرکت واحد ابراهیم مددی عضو هیات مدیره این سندیکا در شامگاه چهارشنبه ۹ آذر بصورت موقت از زندان آزاد شد و با مراجعه به منزل مورد استقبال دوستانش قرار گرفت.

ابراهیم مددی بیش از سه سال در زندان جمهوری اسلامی بود. و اکنون بدنبال اعتراضات گسترده از سوی خانواده اش، سندیکای شرکت واحد و اعتراضات جهانی در حمایت از کارگران زندانی در ایران، بصورت موقت از زندان آزاد شده است و قرار است در هفته آینده برای روشن تکلیف خود به مراجع قضایی جمهوری

و پرونده های قضایی تشکیل شده علیه آنها به دور ریخته شوند.

بعلاوه هم اکنون رضا شهابی یکی دیگر از اعضای سندیکای واحد در زندان است. وضعیت جسمی او وخیم است. رضا شهابی بدلیل مشکل دیسک در خطر فلج شدن است. در اعتراض به این مساله رضا شهابی از اول آذر ماه اعلام اعتصاب غذا کرد. در این رابطه طبق آخرین اخبار منتشر شده به سندیکای کارگران شرکت واحد رضا شهابی روز چهارشنبه ۹ آذر ماه به بهداری زندان منتقل گردید. رضا شهابی از تاریخ ۲۲ خرداد ۸۹ در زندان است و در این مدت با مشکل شدید گردن و آرتروز مواجه شده است. رضا شهابی باید فوراً از زندان آزاد شود.

کلیه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند و احکام صادر شده برای آنها

### از صفحه ۱

ساختمان سفارت بیش از هر چیز نشان دهنده اختلاف عمیق بین جناح های حکومت است. لاریجانی رئیس مجلس صریحاً از این حمله حمایت کرد و دلیل آنرا خشم دانشجویان بخاطر چند دهه ظلم انگلیس به ملت ایران، بیان کرد. رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس هم آن را مورد تأیید قرار داد. اما وزارت خارجه رژیم با صدور بیانیه ای نسبت به این اقدام ابراز تأسف کرد. مهمانپرست سخنگوی وزارت امور خارجه در توجیه این حمله آنرا عصبانیت بعضی از تظاهر کنندگان از رویکرد دولت بریتانیا، نامید. در حالی که شاخه ای از دفتر تحکیم وحدت این حمله را محکوم کرد، انجمن های اسلامی ۲۵ دانشگاه با صدور یک بیانیه از قطع رابطه با انگلیس ابراز خوشحالی و از حمله به باغ قیصریه حمایت کردند. موسی قربانی عضو کمیسیون حقوق قضایی مجلس گفت: "دانشجویانی که دیروز وارد سفارت شدند، بخشی از تشکلهای رسمی و موثر درون نظام هستند که به تشخیص تکلیف خود اقدام کرده اند". فیلم ها و تصاویر انتشار یافته نشان می دهد که در بین حمله کنندگان تعدادی از عوامل رژیم نظیر قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه و حمید رسایی نماینده مجلس وجود داشتند. از طرف دیگر سایت الف وابسته به احمد توکلی که از مخالفین سرسخت احمدی نژاد است، با درج مقالاتی از حمله به سفارت انتقاد کرد و آن را کار

### حمله به سفارت انگلیس و ...

عکس به ارمغان آورده است. این حمله در ادامه اقدام مجلس اسلامی برای کاهش روابط دیپلماتیک با دولت انگلیس بود. و خود این ها در ادامه فضای تند بین المللی علیه جمهوری اسلامی و عکس العملی از سر استیصال به فشارهای گسترده بین المللی صورت گرفت. دو روز قبل از آن مجلس با تصویب یک طرح دو فوریتی رابطه با دولت انگلیس را تا سطح کاردار تصویب کرد و آن را برای اجرا به دولت ابلاغ نمود. حمله به ساختمان سفارت در حالی انجام شد که نیروهای انتظامی رژیم نظاره گر آن بودند. تصاویر منتشر شده توسط رسانه های وابسته به رژیم آتش زدن اتومبیل ها و بخش هایی از سفارت، شکستن شیشه ها و دزدیدن اسناد و مدارک و اشیاء سفارت را نشان می دهد. دو ساعت بعد از اشغال ساختمان توسط بسیج دانشجویی نیروی پلیس درب سفارت را بست و یازده نفر از مهاجمین را بازداشت نمود ولی بعد از ساعتی آنها را آزاد کرد.

این حمله بدون تأیید خامنه ای نمی توانست انجام شده باشد. نظر می رسد در حالی که دولت احمدی نژاد درگیر مشکلات اقتصادی تلاش دارد چهره ای رام و معقول از خود ارائه دهد و فشارهای بین المللی را بر خود کم کند، جناح خامنه ای امید می برد بازگشت مناسبات عادی با غرب ندارد. تصویب طرح کاهش رابطه با انگلیس توسط مجلس و حمله به



### کمیپن برای آزادی کارگران زندانی

shahla\_daneshfar@yahoo.com شهلا دانشفر

00447779898968

بهرام سروش

bahram.soroush@gmail.com

0044-7852 338334

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

دولت انگلیس تلاش می کند تا در درون نظام متحدی برای خود جستجو کند. ویلیام هیگ وزیر امور خارجه این کشور اعلام کرد که حمله به سفارت را با اقدامات قاطع پاسخ خواهد داد اما روز ۹ آذر خبرگزاری دولتی فارس اعلام کرد که آلیستر برت معاون وزارت خارجه بریتانیا گفته است که تحولات اخیر رابطه دو دولت ایران و بریتانیا را قطع نمی کند.

حمله به ساختمان سفارت انگلیس در عرصه بین المللی جمهوری اسلامی را منزوی تر و بی آبرو تر کرد و برقراری رابطه سیاسی متعادل بین جمهوری اسلامی و دولت های غربی را دشوار تر ساخت. در عرصه داخلی استیصال، اغتشاش و اختلافات داخل رژیم را هر چه بیشتر به نمایش گذاشت. این حمله کار را برای دولت های آمریکا و انگلیس در جهت شکل دادن به یک جبهه بین المللی علیه حکومت اسلامی تسهیل کرده و جمهوری اسلامی را به منزوی ترین وضعیت خود کشانده است. \*

عمیق اقتصادی و سیاسی رژیم و گسترش سرکوب ها و احتمالاً جذب بخش هایی از اپوزیسیون ناسیونالیست می تواند نتیجه این رو در رویی باشد. احمدی نژاد بناچار در مورد این واقعه سکوت کرده است. اما کار او و همدستانش مشکلتر شده است. برای امید بستن به حمایت غرب و بویژه انگلیس باید بیشتر تلاش کنند و امتیازات بیشتری بدهند.

حمله به سفارت انگلیس توسط دولت های مختلف محکوم شد. شورای امنیت بعد از چند ساعت به اتفاق آرا جمهوری اسلامی را محکوم کرد. حتی چین و روسیه نیز رای به محکومیت جمهوری اسلامی دادند. چند دولت اروپایی از جمله فرانسه و آلمان سفرای خود را از تهران احضار کردند. دولت انگلیس تمامی کارکنان سفارت خود را از تهران خارج نمود و به کلیه دیپلمات های جمهوری اسلامی دستور داد تا در مدت ۴۸ ساعت انگلیس را ترک کنند. اما مثل همیشه

عوامل خردسر نامید. کل این تصویر نشان میدهد که نفس این حرکت شکافهای عمیق درون حکومت را رو آورده است. حتی جناح خامنه ای در برخورد به این موضوع یک دست عکس العمل نشان نداد.

هدف خامنه ای از حمله به ساختمان سفارت انگلیس را می توان تقلید مذبحخانه ای از حمله به سفارت آمریکا در سال ۵۸ و نقش خمینی در آن زمان دانست. در واقع حکومت میخواست در شرایط انزوای کامل بین المللی صفوفش را یکدست کند و علیه غرب به میدان آورد اما نتیجه ای مخالف آنرا گرفت. اگر حمله به سفارت آمریکا توانست رژیم را در اجرای سیاست سرکوب خود یکدست تر کند، حمله ۸ آذر به سفارت انگلیس عملاً رژیم را پراکنده تر و سر در گم تر کرده است. حمله کنندگان به سفارت آمریکا اگر برای دوره ای توانستند بعنوان اصلاح طلب در درون حکومت ظهور کنند، حمله کنندگان به سفارت انگلیس افقی را مقابل خویش نمی بینند. این حمله را می توان یک قدرت نمایی در مقابل سخت تر شدن کمر بند تحریم توسط آمریکا و دولت های اروپایی و بویژه انگلیس دانست و بار دیگر ثابت کرد که جمهوری اسلامی به هیچ قرارداد و پرنسپ بین المللی، پایبند نیست. خامنه ای مایوس از سرنوشت سوریه، تنها راه چاره را رویارویی هر چه بیشتر با غرب می داند. بخش مهمی از نظام در این زمینه با او همراه و موافق است. منحرف کردن نظرات از بحران های

### علیه تحمیل حکومت های اسلامی و ...

از صفحه ۱۰

مردم افغانستان کوتاه. مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه سنگسار ۲۹ نوامبر ۲۰۱۱. دوشنبه ۵ دسامبر از ساعت ۱۰ صبح تا ۲ بعد از ظهر در محل

Kunstmuseum Bonn  
Friedrich-Ebert-Allee 2  
Mina Ahadi

سریا ماندن حکومت های طالبانی انسانکش و زن ستیز این بار با خواست "بدون حضور دولت" خارجی" و یا ناتو" در افغانستان است. پس ما به این میتینگها می آییم که اعلام کنیم دست جریانات و باندهای اسلامی و حکومت های اسلامی از زندگی مردم کوتاه و دست دولت غربی و یا نهادهای بین المللی برای تحمیل حکومت های ضد انسانی به

## دین گریزی: زنگ خطر یا زنگ آزادی

یاشار سهندی

میدهد که خود کارشناسان این حکومت بارها و بارها هشدار دادند که جامعه "دین گریز" شده است. آخرین آنها، عماد افروغ نماینده مجلس هفتم شورای اسلامی است که در مصاحبه با خبرگزاری ایلنا هشدار میدهد "خطر لائیسیتیه و بی دینی جامعه مان را تهدید میکند". شاید کسانی پیدا شوند و برای تحقیر مردم بگویند: نگاه کن مردم دسته دسته تو هیئت ها برای امام حسین عزاداری میکنند، و بعد نتیجه میگیرند: "این مردم جان به جان شان کنید عقب مانده هستند". اینها عمدا حکومتی که به صورت وسیع و به صورت پنهانی در کار سازماندهی این هیئت ها است را نادیده میگیرند. اینان میبینند که چند روز مانده به این ایام تمام شهر از بنرها پوشیده میشود که یا رنگ خون دارد یا رنگ سیاهی اما چشم شان را میبندند، آنها به روی خودشان نمی آورند که میلیونها پول به پای "هیئت های عزاداری" ریخته میشود. و فراموش میکنند، مداحان رسمی این حکومت مطابق بخشنامه دولتی امام حسین را جوری میکشند که به درد امروز حکومت بخورد. ایشان به

روی مبارک خود نمی آورند که در چند روز اول کودکان را جلو می اندازند، به آنها طبل و سنج میدهند که در تاریکی شبها کودکی خود را له کنند تا بدین سبب بزرگان را به بیرون از خانه بکشاند. این را کسانی میگویند، "تعزیه" را که یکی از شمایل تحمیلی مردم است زیر و رو میکنند و تا شاید یکجورهای بشود با تئاتر مدرن امروز یکی اش کرد؛ در سینما فیلمنامه "روز واقعه" ( بهرام بیضایی) را مینویسند و بعد آنرا به فیلم تبدیل میکنند، بعد مدعی میشوند که این مردم "حافظه تاریخی" ندارند. دولتی که همه امکانات خود را بسیج کرده است تا به هر شکل ممکن روی روح و روان مردم کار کند را نمی بینند و بعد مردم را ابله خطاب میکنند. در آثار ایشان "دشمنان امام"، "شقی ترین مردمان" معرفی میشوند و چنان ایشان را به شکل کریه‌ی گریم کردند که بیننده از زندگی اش سیر میشود و "یاران امام" که چهره مسیح وار دارند برای "انتقام خون امام" دست به چنان قتل‌های هولناکی میزنند که فقط از ذهن بیمار کسانی تراوش میکنند که در حوزه های علمیه درس خوانده باشند و عملا در این سی و دوساله سربازان گنمان امام

زمان تا توانستند این گونه قتلها را سازمان دادند. باین وجود "ایام عزاداری امام حسین" در نزد جوانان به "حسین پارتی" معروف شده است. چون در چنین شبهایی تا نیمه شب هم تو کوچه باشند کسی از ایادی حکومت مزاحم شان نیست و قرارشبهانه دختران و پسران در گوشه های تاریک کوچه ها نشان از عمق عزادار بودن این مردم است! "عماد افروغ" همین چیزها را دیده که اکنون هشدار میدهد که خطر نزدیک است. ایشان سالها در خدمت این حکومت است و خود یکی از کسانی بوده که به قول خودش "استفاده ایزاری" از "مدیر گروه اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری در سالهای ۷۲-۷۳ و یا مسئول گروه سیاست داخلی کمیسیون داخلی، دفاعی و امنیتی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سالهای ۷۹-۷۷، و مدیر گروه فرهنگ، هنر و تاریخ شبکه یک صدا و سیما در سالهای ۸۰-۸۲، بوده و در دوره ای نمایندگی مجلس اسلامی را بعهده داشته نگران بی دینی و "خطر لائیسیتیه و بی دینی" نبود؟ ایشان هم مانند همه کارگزاران رژیم که خطر را متوجه شدند تازه یادشان آمده که

"اخلاقی هم در سیاست" باید وجود داشت باشد. "اخلاق سیاسی" در این حکومت یعنی سرکوب به هر شکل ممکن؛ این را دیگر همه کارگزاران جورواجور حکومت ثابت کرده اند. چون شاهد هستند که پایه های حکومت شان به لرزه در آمده است زنگ خطر را به صدا در می آورند. ایشان شاهد هستند "مردم عزادار امام حسین" چنانکه خود این مردم میگویند "برای دل خودشان به هیئت میروند" نه برای گوش کردن سخنان فلان آخوند. همه آنهايي که مدعی هستند که این مملکت اسلامی است میدانند کافی است توده مردم به معنای واقعی کلمه آزاد باشند و از همه مصیبت‌های اجتماعی خلاص شده باشند و به هر شکل که خواستند خود را بیان کنند آنوقت است که باید قضاوت کرد که این مملکت اسلامی و امام حسینی است یا خیر. همین چیزها است که امثال عماد افروغ و آخوندهای مختلف میبینند و میدانند چه جنایتها نکردند که دین را حاکم کنند و اکنون که روز جواب نزدیک شده است، زنگ خطر را به صدا در می آورند. البته برای آنها زنگ خطر است برای ما زنگ آزادی است.\*

## علیه تحمیل حکومت‌های اسلامی و مدافع سنگسار به مردم افغانستان، علیه کنفرانس "بن دوم" به خیابان بیاید.

ده سال قبل در شهر بن در آلمان، یک حکومت بر علیه مردم افغانستان به رهبری کزایی سرهم بندی شد و محلل این ماجرا یوشکا فیشر بود که بعنوان وزیر امور خارجه آلمان و همچون میزبان در این کنفرانس عرق میریخت و کار میکرد. طبعاً گوش همه حاضرین در کنفرانس به صدای معترضین و انتقادات آنها در بیرون کنفرانس، کر بود و آنها مشغول سرهم بندی یک حکومت بودند و از آن هم فعالانه دفاع میکردند. ده سال بعد از آن کنفرانس امروز هیچکس نمیتواند از عملکرد ده ساله کزایی و باندهای حاکم بر افغانستان دفاع کند. ده سال بعد روی خود را از واقعیت برگرداند و با وقاحت کنفرانس "بن دوم" را برگزار میکنند و این بار هم آلمان میزبان است این بار وزیر امور خارجه وستروله هست و احزاب حاکم سوسیال مسیحی و لیبرال دمکرات هستند اما سیاست همان است و حرفها همان که ده سال قبل شنیدیم.

کنفرانس "بن اول" تصمیم داشتند با کمک نیروهای مرتجع اسلامی و همه مرتجعین از سران قوم و قبیله ها گرفته تا تولید کنندگان مواد مخدر و جنایتکاران قدیم و جدید یک حکومت سرهم بندی کنند. در آن کنفرانس کزایی، مردم افغانستان، نیروهای مترقی و مدرن، سازمانهای مدافع حقوق و حرمت زنان و خود زنان هیچ جایی نداشتند. از همان آغاز روشن بود که این طرح زمینه ساز جنایت و قتل و بی حقوقی بیشتر برای مردم در افغانستان است. اکنون دومین کنفرانس بن در حال تدارک شدن است و این بار ظاهراً قرار است روزه دسامبر با حضور سران دولتها و نمایندگان همین دولت ورشکسته کزایی و البته با التماس از طالبان و دعوت به دیالوگ با آنها، حکومت بعدی را سرهم بندی کنند. در مقابل این کنفرانس اعتراضات زیادی فراخوان داده شده و قرار است میتینگهایی سازمان یابد.

کنفرانس "بن دوم" در دنیایی متفاوت از بن اول برگزار میشود. این کنفرانس در شرایطی برگزار میشود که جوانان در دنیا از طریق امکانات ارتباطی بهم وصل اند. در دنیایی که جنبش اسلامی و اسلام سیاسی در مسیر سرازیری است. در دنیایی که میدان التحریر و میدانهای اسپانیا و نیویورک و برلین و کابل بهم وصل شده و دولتهای حاکم در سراسر جهان بی آبروتر از همیشه هستند. در چنین شرایطی تصمیم گرفتن از بالای سر مردم با اعتراضات برحق مردم رویرو میشود و امیدواریم که این سیاست کمک به شکل گیری حکومت‌های ارتجاعی و ضد زن در افغانستان، در دنیا با موج گسترده تری از اعتراضات مواجه شود. کمیته بین المللی علیه سنگسار از همه مخالفین سنگسار و اعدام، از مخالفین دولتها و قوانین اسلامی، از مخالفین زن ستیزی و انسان ستیزی، دعوت میکنند که در مقابل این کنفرانس و در اعتراض به سرهم بندی

کردن یک حکومت اسلامی دیگر در افغانستان تجمع کنند. اگر قرار است مردم افغانستان نفسی بکشند اولین شرط آن، جدا شدن دست مذهب از دولت و آموزش و پرورش است. باندها و دستجات اسلامی از مجاهدین افغان تا طالبان همگی باید بعنوان سازمانهای تروریست و ضد انسان، پاسخگوی جنایات بیشمار می باشند که در آن کشور علیه مردم سازمان داده و مسبب بدبختی میلیونها نفر شده اند. دولتهای غربی که با ساختن و تحمیل یک حکومت اسلامی در افغانستان و با تحمیل جنگ به مردم افغانستان زندگی را بر آنها به جهنم تبدیل کرده اند باید دست خود را از این کشور کوتاه کرده و بیش از این به یاری جریانات ارتجاعی اسلامی نشتابند. جوانان و مردم آزاده افغانستان میتوانند و باید یک حکومت سکولار، آزادخواه و مدافع برابری زن و مرد و مدافع آزادی بیان را سازمان داده و

جواب این باندهای مرتجع اسلامی را خودشان بدهند. زنان در افغانستان خواهان آزادی و برابری و رفاه و امنیت اجتماعی هستند و این متحقق نمیشود مگر اینکه دست باندهای اسلامی و طالبان و مجاهدین و همه این جنایتکاران از سر مردم کوتاه شود. شریعه و قوانین اسلامی در افغانستان باید فوراً ممنوع شود و دولتهای غربی باید از یک افغانستان سکولار دفاع کنند و نه افغانستانی با حکومت مرتجع و مدافع سنگسار و بی حقوقی مطلق زنان. مخالفین کنفرانس "بن دوم" که خوشبختانه امروز بسیار زیاد هستند، باید در این اعتراضات خودشان بدانند که یک فاکتور مهم مخالفت ما باید اعتراض به دخالت جریانات و باندهای اسلامی و قوانین شریعه در افغانستان باشد. هر نوع ایجاد توهم به این جریانات و یا سکوت در مقابل جنایات اسلامیها، در حقیقت کمک کردن به

## گزارشی از مراسم بیستمین سالروز تشکیل حزب در استکهلم...

از صفحه ۱

دیگر امکان پذیراست و خطاب به آته ایستها و بی خدایان بگویم این حزب، حزب شماست! منصور حکمت میگفت میشود همین امروز در زندگی مردم تغییر ایجاد کرد و این حزبی است که تغییر ایجاد کرده است. جان آدمها را نجات داده و تاجایی که میتوانسته به خانه های مردم امید و شادی آورده است. حزب کمونیست کارگری به سکیته محمدی ها و کبرا رحمانپورها و زنان گمنام دیگری که در اعماق جامعه بودند، چهره داد. این حزب میخواهد در زندگی میلیونها انسان نقش بازی کند و خوشبختی را عمومی کند و بنابراین باید به قدرت برسد. به من

جدال برای سرنگونی جمهوری اسلامی بعنوان اولین مانع تحقق آرمانهای خود میباشد.

مینا احدی سخنران دیگر مراسم، با بیان خاطراتی از انقلاب ۵۷ گفت: آزمون نیروهای انقلابی فاقد حزب رهبری بودند و من میخواهم از این میکروفون خطاب به جوانانی حرف بزنم که سینه خود را سپر میکنند، مثل ما که در دوره انقلاب ۵۷ اینکار را میکردیم، خطاب به زنانی صحبت کنم که حجاب برمیگیرند، درگیر میشوند، کتک میخورند و زندان میافتند، خطاب به رهبران کارگری و خطاب به دانشجویانی که میگویند يك زندگی

علیه دنیای سرمایه داری، علیه بانکها، علیه يك درصدی ها، همه جا را فرا گرفته است. حزب ما گفت حکومت انسانی و انقلاب انسانی، الان میگویند ۹۹ درصدی ها. برنامه يك دنیای بهتر در خیابان ها دارد اثبات میشود. امروز دنیا فریاد میزند که ما به حزب کمونیست کارگری احتیاج داریم. به حزب کمونیست کارگری یونان، ایتالیا، اسپانیا، آمریکا، لیبی، یمن و مصر احتیاج داریم. حمید تقوایی در خاتمه سخنرانی اش، ضمن اشاره به وضعیت جمهوری اسلامی گفت که خوشبختانه جنبش ۹۹ درصد در ایران حزب خودش را دارد و در حال

جدید خاتمه یافت.

لازم به توضیح است که در این مراسم هیئتی از حزب کمونیست ایران شرکت داشتند. از "جبهه آزادیخواهان ایران- استکهلم" نیز هیئتی شرکت داشتند و پیام تبریکشان قرائت گردید.

ساعات آخر برنامه با صرف شام و اجرای موزیک و رقص توسط يك گروه کلمبیایی و رقص و گرفتن عکس های یادگاری و صرف شام و کیک توسط حاضرین ادامه یافت.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- استکهلم شنبه ۲۶ نوامبر ۲۰۱۱

میگویند شما کارهایتان خوب است اما حیف که عضو حزب کمونیست کارگری هستید! صحبت من این است که اگر حزب کمونیست کارگری نبود اینکارها پیش نمیرفت. يك حزب، يك تئوری، يك جنبش و مجموعه ای از آدمها پشت این کارها هستند که این کارها جلو برود.

در قسمتی از مراسم اصغر کریمی، رئیس هیئت دبیران حزب، ضمن صحبت کوتاهی، به جوانانی که در هفته های اخیر و یا در جریان مراسم به حزب پیوستند با اهدای شاخه گلی به آنها عضویت شان و ورودشان به حزب را تبریک و خوشامد گفت. این بخش مراسم با صحبت کوتاه چند نفر از اعضای



به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!



## سفارتخانه های جمهوری اسلامی در همه جا تعطیل

فرشاد حسینی



تیرگی این روابط میتواند موقتی باشد. سیاست رسمی و دیرینه دول غربی با جمهوری اسلامی همواره همان سیاست چماق و هویج است. جمهوری اسلامی با این اقدام اهداف و منافع سیاسی خود را در سطح روابط بین المللی دنبال میکند در عین حال دول غربی نیز با اهداف و منافع معینی دست به اینگونه تنبیهات علیه جمهوری اسلامی میزنند. این موج میتواند بحالت اولیه خود بازگشته و بعید نیست که همه چیز در بطن قراردادهای و سودهای کلان به فراموش و بخشودگی سپرده شود. بحران اخیر

به دنبال حمله اوباشان رژیم اسلامی به سفارت بریتانیا در تهران موج جدیدی از تیرگی روابط میان دول غربی و جمهوری اسلامی ایجاد شده است. بریتانیا ۴۸ ساعت به دیپلماتهای جمهوری اسلامی مهلت داده که خاک بریتانیا را ترک کنند و غالب دولتهای اروپایی سفرای خود را از تهران فرا خوانده اند. اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل با اتفاق آرا یورش به سفارت بریتانیا در تهران را محکوم کردند. پروسه انزوای سیاسی دیپلماتیک جمهوری اسلامی با این اتفاقات اخیر عملا وارد فاز جدیدی میشود.

روابط دیپلماتیک جمهوری اسلامی با دول غربی اگر چه خود یک ضربه سیاسی دیگری بر جمهوری اسلامی و گام دیگری در انزوای این هیولای خونخوار معاصر است اما در خلایک سیاست فعالی که از زاویه منافع مردم به تنگ آمده ایران اتخاذ شده باشد، این بحران میتواند در جهت منافع دول غربی و به سمت نوع دیگری از سازش و مامشات بچرخد. در فضای بحران دیپلماتیک جمهوری اسلامی و دول غربی و برای جلوگیری از توطئه و دسیسه علیه مردم، باید سیاست رادیکال و حقانیت منافع مردم در انزوای بین المللی جمهوری اسلامی را برجسته کرده و به مجامع بین المللی تحمیل کرد. باید بار دیگر خواست میلیونی مردم مبنی بر بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی بعنوان لانه های ترور و سرکوب و جنایت علیه بشریت را با فشار افکار عمومی

مردم روی میز بحث و تصمیم گیری های سیاسی دیپلماتیک دولت ها گذاشت. اما این بار نه از سر سیاست چماق و هویج دول غربی، که از زاویه آرزو و خواست قلبی میلیونها نفر مردم در سراسر جهان برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی بعنوان یک رژیم جنایتکار حق ندارد در هیچ جای جهان چیزی به نام سفارت و نمایندگی داشته باشد. سفارت های جمهوری اسلامی را باید در سراسر جهان بست. نه تنها به دلیل اینکه اوباشان به سفارت بریتانیا یورش بردند بلکه مهمتر به دلیل اینکه این سفارتخانه ها مرکز توطئه علیه مردم است. و مرکز نمایندگی حکومتی است که بویی از انسانیت نبرده است. نماینده حکومتی است که زن در جامعه اش آدم به حساب نمی آید. نماینده حکومت بی حقوقی مطلق کودک و

جوان است. نماینده حکومتی است که کودک را حلق آویز میکند. انسانیت معنی ندارد. نماینده حکومتی است که سی سال تمام روی پایه های سرکوب و شکنجه و اعدام بنا شده است. نماینده بزرگترین سازمانده تروریسم در ایران و جهان است. سفارتخانه های جمهوری اسلامی را باید در همه جای دنیا بست چرا که دنیا به سفارت خانه های ترور و وحشت و سرکوب نیاز ندارد. در بطن این بحران جدید باید با تلاش و مبارزه و تظاهرات و تجمع و تبلیغات، این شعار را بر سر در تمام مجالس و بحث ها و پلمیکهای سیاسی در این خصوص قرار داد. سفارت جنایتکاران را ببندید. این خواست مردم ایران است. و خواست همه مردم شریفی است که از گوشه ای از کارنامه این حکومت جنایت آگاهی یافته اند.\*

## اعتصاب و تظاهرات عظیم کارگران در انگلیس



می کند. این وضعیت مایه تاسف است. ما نمی خواهیم دست به این کار بزنیم اما صدای ما تاکنون شنیده نشده و فکر می کنیم با اینکار صدای اعتراض مان شنیده می شود. یکی دیگر از تظاهر کنندگان در گفتگو با خبرنگاران میگوید: "این خشم به دلیل آن است که تدابیر اقتصادی اخذ شده ما را نشانه گرفته است و نه تصمیم گیران را."

موضوع از این قرار است که دولت بریتانیا قصد دارد سن بازنشستگی را از ۶۵ سالگی به ۶۷ سالگی افزایش دهد. بعلاوه درصد بالاتری نسبت به گذشته از دستمزد کارگران بابت مستمیری کاسته خواهد شد. و افزایش دستمزدها تا چندین سال متوقف خواهد شد. به گفته وزارت خزانه داری بریتانیا این طرح بیش از ۵۰۰ میلیون پوند پول نصیب صندوق دولت خواهد کرد.

همچنین بر اساس برنامه های جدید دولت بریتانیا، کاهش کارکنان بخش های دولتی یکی دیگر از اقدامات آن برای صرفه جویی بیشتر خواهد بود. طبق اعلام وزارت خزانه داری این کشور تا پایان سال ۲۰۱۶، نزدیک به ۷۱۰ هزار کارمند دولت از کار

آران رضایی  
روز ۳۰ نوامبر انگلستان شاهد بزرگترین اعتصاب کارگری در ۴۰ سال گذشته بود. بیش از دومیلیون نفر از کارگران بخش دولتی به اعتصاب پیوستند. همچنین تظاهرات و راهپیمایی بزرگی در این روز در شهرهای مختلف و بویژه مرکز لندن به جریان افتاد که جمعیت عظیمی در آن شرکت داشتند. اعتصاب به فراخوان اتحادیه های کارگری بخش خدمات در اعتراض به سیاست دولت دست راستی انگلیس برای بالا بردن سن بازنشستگی، انجماد دستمزدها، و قطع برخی مزایای کارگران صورت گرفت. مدارس، دانشگاهها، فرودگاهها، بیمارستانها، ادارات پلیس، و کارکنان شهرداریها از جمله مراکزی بودند که در این اعتصاب شرکت داشتند.

در گزارش های منتشر شده یکی از اعضای سندیکای اداره مهاجرت و کنترل فرودگاه های بریتانیا می گوید "اعضای این سندیکا هیچ چاره ای جز شرکت در این اعتصاب ندیده اند. این نخستین بار طی سی سال گذشته است که این اتحادیه کارکنان خود را به اعتصاب دعوت

برکنار خواهند شد. دولت اعلام کرده است که اجرای برنامه ریاضت اقتصادی تا سال ۲۰۱۷ میلادی به طول خواهد انجامید و در راستای این سیاست بوجه بخش عمومی کاهش خواهد یافت.

در تظاهرات بزرگ روز ۳۰ نوامبر لندن، جمعیت عظیمی به خیابان آمده و با شعار و پلاکاردهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند. کارگران از اتحادیه های کارگری مختلف با پلاکاردهای خود و با شعارهایشان در خیابان ها مارش میرفتند. یک ویژگی جالب این تظاهرات حضور جوانان جنبش اشغال در صف راهپیمایی بود که با پلاکاردهای بزرگ "قدرت به دست ما ۹۹ درصدی ها"، پیوستگی خود را با جنبش جهانی علیه سرمایه داری، جنبشی که کل نظام موجود را نشانه رفته و تغییر سیستم را فریاد میزنند، بود. همچنین پلاکاردهای "یک دنیای بهتر ممکن است"، "سرنگون باد ۱ درصدی ها"، از جمله دیگر شعارها بود. شعار دادن، پخش موزیک، سوت زدن و آواز خواندن فضای پرشوری از اعتراض را در خیابان بوجود آورده بود.\*

### انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهاب دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!